

انقلاب اسلامی و مهدویت

از سری منشورات مجله امان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور:انقلاب اسلامی و مهدویت/ تهیه کننده دفتر مجله امان، [بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)].

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، 1395.

مشخصات ظاهری:96 ص.؛ 5/14 × 5/21 س م.

شابک:40000 ریال978-600-7120-73-6

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

يادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع:مهدویت

موضوع:Mahdism

موضوع:مهدویت -- انتظار

موضوع:Mahdism -- *Waiting*

شناسه افزوده:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

رده بندی کنگره:BP224/الف8 1395

رده بندی دیویی:297/462

شماره کتابشناسی ملی:4358580

ص: 1

اشاره

از سری منشورات مجله امان

انقلاب اسلامی و مهدویت

ص: 3

انقلاب اسلامی و مهدویت

تهیه کننده:دفتر مجله امان

ناشر:انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

طراح جلد وصفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول/تابستان1395

شابک: 978-600-7120-73-6

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: 4000تومان

قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار(22)/ بن بست شهید علیان/ پ: 26/ تلفن/1-025-37841130/ نمابر: 025-37744273

تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ:98/ تلفن: 021-88998600/ نمابر: 021-89774381

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه

مهدویت، از یک نگاه تنها به مجموعه محدودی از معارف مربوط به امام زمان می شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه های آن است. اما با بررسی دقیق تر و جامع تر مجموعه گزاره هایی که در متون اسلامی درباره آن وجود دارد می توان نگاه وسیعتری را به مقوله مهدویت لحاظ نمود. از این منظر مهدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگاه دوم، همه موضوعات اسلامی و مسائل فردی و اجتماعی به حوزه مهدویت وارد می شوند با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصی که محور آن حضرت مهدی است ساماندهی و اولویت بندی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه ای بهره مند می شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمیشود و یا اندک خواهد بود.

ما معتقدیم که نگاه کامل به مهدویت همین نگاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شیعه، امامت کامل کننده دین و تمام کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشریه دو ماهنامه امان- که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و برخی دیگر از فضلا و فعالان بنام فرهنگی کشور است- از سال 1385 اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرطرفدار نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی از جمله این موضوعات با نام: «انقلاب اسلامی و مهدویت» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان

ص: 8

امام خمینی رحمه الله

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا این جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان شاءالله بیاید و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کنیم.(1)

ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور ان شاء اللّٰه تهیه بشود.(2)

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان، بیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه روشن است و

1- صحیفه امام، ج 15، ص385.
2- همان، ج 8، ص 374.

وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می نماید. گویی جهان مهیّا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان... .(1)

انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است.(2)

انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منّان در سطح جهان در حال گسترش است و ان شاء الله با گسترش آن، قدرت های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان بر پا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء [که خداوند فرجش را نزدیک کند و روح ما فدای خاک پایش باد] مهیا خواهد شد.(3)

آیت الله العظمی خامنه ای دام ظله

باید بدانیم که ظهور ولیّ عصر- صلوات الله علیه - همان طوری که با این انقلاب ما یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می تواند نزدیک تر بشود؛ یعنی، همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر و یک قدم دیگر،

1- همان، ج17، ص480.
2- همان، ج 21، ص 327.
3- همان، ج15، ص348.

همین مردم خودشان را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر کنند.(1)

انقلاب، پرچم عزت این ملت است و ملت این پرچم را در دستِ استوار خود محکم نگه خواهد داشت و به فضل پروردگار تسلیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد کرد.(2)

1- بیانات مقام معظم رهبری، 6/4/59.
2- همان، 28/ 11/ 1381.

انقلاب اسلامی و رویش شکوفه های انتظار(1)

مقدمه

در یک ره یافت توصیفی از ریشه ها و عوامل وقوع انقلاب اسلامی ایران، می توان به مؤلفه های مختلفی اشاره کرد. در این میان، یک عامل فکری و ایدئولوژیکی که از دید تیزبین نظریه پردازان و نویسندگان داخلی و خارجی پنهان نمانده، مسأله «غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «انتظار ظهور منجی عالم بشری» است. به نظر آنان، این باور و اعتقاد، زمینه ساز تغییر نگرش و رفتارهای مردم ایران، تقویت بنیان های فکری و فرهنگی جامعه، گسترش روزافزون اندیشه های اصلاح طلبانه، تلاش و کوشش برای تغییر و تحول، عدم پذیرش حاکمیت های سیاسی، داشتن امید و آرزو برای پیروزی، در نهایت قیام و انقلاب علیه بی عدالتی ها و زمینه سازی برای انقلاب جهانی مهدی موعود بوده است.

فرهنگ الهام بخش

شاخصه و ویژگی عمده «اعتقاد به مهدویت» انتظار و آمادگی مداوم و آگاهانه برای ظهور امامی است که از دیدگان همه غایب است و در پی نابودی ظلم، ستم،

1- رحیم کارگر.

فساد، تباهی، بی دینی و انحراف از جهان است. این انتظار، دارای مفاهیم و مؤلفه های زیادی است که در صحیفه علمی و عملی جهان تشیع، به روشنی مکتوب و مضبوط می باشد؛ از جمله:

نفی وضع موجود (فساد، ظلم، بی عدالتی و تباهی)؛

طرد و عدم پذیرش حکومت های سیاسی (نامشروع دانستن آنها)؛

اصلاح طلبی و امید به زندگی بهتر (فرج و گشایش)؛

تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترّقی؛

قیام، انقلاب و نهضت مداوم و فعال؛

تشکیل حکومت های مشروع و دینی؛

عدم انقیاد و سازش در برابر ظالم و مفسدان و ... .

با توجه به این موارد، به روشنی می توان گفت که «از بهترین رازهای نهفته بقای تشیع، همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و جوشش وا می دارد... به تعبیر دکتر علی وردی استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد، تشیع آتشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه و بی گاه، دود، بخار، لرزه و تکان اندکی پدید می آورد و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلاب های دنیای اسلام است». (1)

«انتظار»، نه تنها جوهره اصلی حیات فکری شیعه است بلکه باور به آن، امری بایسته و واجب است و از بهترین و با ارزش ترین اعمال به شمار می رود. امام زین العابدین علیه السلام فرموده است:

«انتظار الفرج من اعظم العمل؛ انتظار فرج، از برترین اعمال است». (2)

1- انتظار، بذر انقلاب، ص 164.
2- منتخب الاثر، ص244، ح1.

نگرش های دو سویه

با وجود روشنی و قطعیت نظریه اصیل «انتظار»، تفسیرها و برداشت های گوناگونی از آن ارائه شده است که قسمت عمده آنها به فهم علما و دانشمندان و بخش دیگر به برداشت عموم شیعیان از مسأله «انتظار» مربوط می شود. دو برداشت اصلی و عمده در این باره عبارت است از:

1. انتظار، به معنای قیام و انقلاب علیه دولت های ظالم و غاصب، مبارزه با فساد و تباهی برای زمینه سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شکل دهی به حرکت های اصلاح طلبانه و سازنده است.

2. انتظار، به مفهوم انزوا، بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به حکومت های نامشروع و یا عدم توجه به فساد و انحرافات موجود در جامعه و انتظار رکودآفرین برای ظهور امام غایب است. گفتنی است که این اختلاف نظرها، به عرصه های علمی و اندیشه ای محدود نمی شود بلکه در رفتار و فعالیت های عموم شیعیان وجود دارد.

برداشت بایسته

هر چند این دو برداشت در طول تاریخ شیعه - به ویژه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - نشانه ها و آثاری از خود بروز داده است؛اما با توجه به سیر تحولات سیاسی- اجتماعی ایران و جهان و ضرورت اقدام های اصلاح طلبانه و انقلابی، برداشت درست از انتظار (قیام و تلاش و کوشش) نظریه غالب در میان شیعه گشت و آثار و نتایج شگفتی نیز به بار آورد. روحیه اصلاح طلبی و پیشرفت، قیام و انقلاب علیه بی عدالتی ها، تلاش و کوشش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و مفسدان، عدم همراهی با حاکمان نامشروع، تشکیل

حکومت صالح و... برداشت های درست و مجاهدانه از «انتظار» است. این تغییر نگرش، نقش مهم و محوری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام راحل رحمه الله داشت.

انتظار، ریشه انقلاب

با توجه به مطالب گذشته، روشن می شود که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ثمره نگرش و دریافت انقلابی، مجاهدانه و اصلاح طلبانه از انتظار است. براساس این دیدگاه، اعتقاد به مهدویت و غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از منابع بالقوه انقلاب و مبارزه در شیعه است. این اصل از چند طریق به انقلاب و مبارزه متصل می شود:

الف) مفهوم انتظار؛ انتظار، یک مفهوم فعال و مثبت دارد و آن، آمادگی روحی و جسمی منتظر، برای همراهی با آن حضرت در هنگام ظهور است.

ب) حکومت در عصر غیبت؛ ملت مسلمان ایران، بر اساس اعتقاد به امامت و غیبت امام معصوم علیه السلام، به ولایت فقیه نیز همانند امامت می نگرند و اسباب و شرایط حاکمیت وی را فراهم می کنند. به همین سبب، دعوت فقیه (امام خمینی) را برای اقامه حدود الهی و تشکیل حکومت اسلامی پذیرفتند و قیام کردند و این همان مایه انقلابی است که در مقوله امامت وجود دارد.

ج) مشروعیت حکومت؛ نفی نظری مشروعیت همه قدرت های حاکم در عصر غیبت، همواره اندیشه ای مهم و مؤثر بوده که شیعه از آن به عنوان کارآمد ترین سلاح علیه حاکمان مستبد و ظالم استفاده کرده است.(1)

1- مدخلی بر ریشه های انقلاب اسلامی، ص90 و 91.

امام خمینی رحمه الله، انقلاب و انتظار

درست، چهارده قرن پس از بعثت آخرین پیامبر الهی؛ مردی مبارز، آگاه، توان مند و اصلاح گر رهبری توده های مظلوم و رنج کشیده و بی پناه ایران را بر عهده گرفت و با الهام از سالار شهیدان و برداشت درست از انتظار، به مبارزه با حاکمان جور و فساد پرداخت. قیام اصلاح طلبانه امام خمینی رحمه الله تبلور و نماد انتظار مردم برای ظهور نجات دهنده مستضعفان و ستم پیشگان از دست دنیامداران فاسد و ستمگر بود.

امام با تلفیق چندین مؤلفه مهم - به ویژه با تاکید بر وظیفه انقلابی شیعیان در عصر غیبت - پیام آور تازه ای از انتظار ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او در رأس هرم تفکرات سیاسی شیعه و در کانون مرکزی مبارزه قرار گرفت و هدف اساسی خود را تشکیل حکومت اسلامی قرار داد و با توجه به چند مؤلفه اساسی زیر، رهبری قیام اصلاح طلبانه را بر عهده گرفت:

1. ارائه نظریه «ولایت فقیه» و بایستگی حکومت برای فقیهان در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف:

«همین ولایتی که برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام در تشکیل حکومت، اجرا و تصدی هست، برای فقیه هم هست». (1)

امام راحل رحمه الله در موارد زیادی، چه در کتاب های ولایت فقیه و البیع و چه در سخنرانی ها و اعلامیه های خود، برقراری حکومت اسلامی را در زمان غیبت امام معصوم، ضرورت اولیه کشورهای مسلمان و به مصلحت و خیر آنان می دانست:

از غیبت صغری تاکنون که هزار و چند سال می گذرد، ممکن است صدها هزار سال دیگر [بگذرد و] مصلحت اقتضا نکند که

1- ولایت فقیه، ص57.

حضرت تشریف بیاورد و در طول این مدت مدید، [آیا] احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟[آیا] قوانینی که پیامبر اسلام، در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن، 23سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خداوند اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و [آیا] پس از غیبت صغری، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟(1)

2. نامشروع شمردن رژیم ها و نظام های سیاسی موجود - به ویژه رژیم ظالم و مستبد پهلوی - و لزوم اجرای احکام اسلامی به دست مسلمانان؛ امام راحل رحمه الله می فرمود:

ما چاره ای نداریم جز این که دستگاه های حکومتی فاسد و فسادکننده را از بین ببریم و هیئت های حاکمه خائن، فاسد، ظالم و جانی را سرنگون بکنیم. این وظیفه ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب سیاسی اسلامی را به پیروزی برسانند.(2)

3. تبیین معنا و مفهوم درست از انتظار (مبنی بر تلاش، امید، قدرت یافتن و...)؛ از نظر امام خمینی رحمه الله، انتظار زمانی مفهوم واقعی و اساسی خود را پیدا می کند که با امید به قدرت یافتن اسلام معنا شود. ایشان در این باره می فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور، ان شاء الله، تهیه شود».(3) از نظر ایشان انتظار فرج، زمانی

1- همان، ص30.
2- همان، ص35.
3- صحیفه نور، ج20، ص196.

معنای واقعی خود را می یابد که منتظر، در جهت منویات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش کند حتی اگر که موفقیت واقعی در پیاده شدن این نظریات، به زمان ظهور امام معصوم باز گردد. ایشان می فرماید:

«البته این پر کردن دنیا از عدالت، اگر می توانستیم می کردیم؛ اما چون نمی توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند».(1)

4. آگاهی بخشیدن به مردم، در جهت ایجاد آمادگی و زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ حضرت امام رحمه الله فرموده اند:

ما باید در این طور روزها، در این طور ایام الله، توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت ... ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم - ان شاء الله - به زیارت ایشان، طوری باشد که رو سفید باشیم، پیش ایشان.(2)

1- صحیفه نور.
2- همان، ج12، ص209.

رود سیال[1]

1. تشیّع، حقیقت اسلام و رود سیال و جاری تاریخ اسلام است.[2] تاریخ اسلام، بی تشیع، درخت آفت زده ای را می ماند که قرن هاست خشکیده است.

به گفته ی دکتر علی وردی (استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد)، تشیع، آتشفشان خاموش کوهسار است که گاه و بی گاه، دود و بخار و لرزه و تکان اندکی پدید می آورد و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است.[3]

ویلیام وات، محقق دانشگاه ادین بورگ، در کتاب اصول گرایی اسلام و مدرنیسم می گوید:

اعتقاد به امامت و مسأله انتظار از جمله ویژگی های تشیع اند که در اندیشه سیاسی شیعه نقش مهمی ایفا می کنند.[4]

2. فقها حصون اسلام،[5] حجت و پناه مردم در عصر غیبت هستند،[6] همچنین مقام نایبی و راهبری مردم در زمان حیرت را برعهده دارند. صفحات تاریخ هزار

1- استاد سید مسعود پور سید آقایی.
2- به شهادت آیه اکمال، دین مرضی خدا پسند، دین همراه مقام ولایت است: «« الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً»؛ (مائده(5)،4).
3- ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب؛ سید اسدالله شهیدی، ص229.
4- تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری، ص 130.
5- «الفقهاء حصون الاسلام»؛ (کافی، ج 1، ص 38، ح 2).
6- «و اماالحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا؛ فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله»؛ (وسائل الشیعه، ج18، ص101؛ کمال الدین، ص484).

ساله شیعه در عصر غیبت، وامدار علما و فقها - نایبان عام امام علیه السلام - است که با ایثار، حماسه و عرفان خود حیات فکری و سیاسی شیعه را رقم زدند.

نگاهی به کارنامه هزار ساله علما و مرجعیت شیعه، این دژهای تسخیرناپذیر و سنگربانان حریم تشیع، این رهبانان شب و شیران روز و ناخدایان کشتی شیعه در تندباد حوادث روزگار و مبارزات فکری و سیاسی آنان، از کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی گرفته تا شهیدین و نراقیین، تا شیخ انصاری و میرزای شیرازی، تا میرزای نایینی و امام خمینی رحمه الله، گویای «العلماء ورثه الانبیاء» و برگی زرّین در تاریخ حیات مسلمانان بل تمامی بشریت از آغاز تا امروز است.

تاریخ درخشان علما و مرجعیت شیعه، امتداد تاریخ انبیا و اولیا است.

3. امام راحل، نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روح خدا بود در کالبد فسرده زمان و هدایت بزرگ الهی در قرن غفلت.

او یادگار همه انبیاء سلف و علماء گذشته بود. با هیبت موسوی و دم عیسوی خود، از ایرانی که مهد فرهنگ بیگانه و پایگاه بیداد شده بود و می رفت تا هویت فرهنگی و تمامی هستی خود را، یک جا، با بیگانه به معامله بگذارد، اژدهایی در برابر تمامی قدرت های استکباری آفرید، اژدهایی که مسیر تاریخ در قرن غفلت را به گونه ای دیگر رقم زد و تمامی ساختارهای دنیا را بر هم ریخت.

4. انقلاب مبارک اسلامی ایران، آذرخشی در شبستان سرد و دیجور قرن، و چراغی فرا راه انسان معاصر در متن گمراهی ها و پلشتی ها بود.

انقلاب ما، دستاورد و آرزوی همه انبیا و اولیا از آدم تا خاتم بود.

انقلاب ما انفجار نوری بود که بر «طور» اندیشه ها تجلی نمود و «موسی خواهان» را در سراسر این کره خاکی بیدار کرد، و بارقه اش در دل دشمن، ترس و وحشت، و در دل دوست، شور و امید آفرید و خفته ها را بیدار و هوشیار ساخت.

5. انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین رخداد اجتماعی قرن بیستم است. پدیده ای با این گستردگی و عمق، نه تنها نهادها و نظام های یک ملت و یک

قوم را در هم

ص: 22

ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادین قرار داده، بلکه دامنه آن، بسی فراتر از یک کشور رفته و همه اندیشه ها، سیاست ها، نهضت ها و احزاب سیاسی جهان را به چالشی نو فرا خوانده است. این تأثیرها، از آسیا و خاورمیانه تا قلب اروپا و آمریکا را در بر می گیرد.

بهتر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

هنری کسینجر، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا:

پیروزی ایران در جنگ، عقاید رادیکال اسلامی را، از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس، گسترش خواهد داد.(1)

شیمون پرز، نخست وزیر سابق اسراییل:

انقلاب ایران، یک انقلاب بسیار افراطی و خصمانه در قبال اسراییل است. تجربه آیت الله [امام] خمینی برای ما، یک تجربه بسیار تلخ در قرن بیستم به شمار می رود.(2)

موشه دایان، وزیر خارجه اسبق اسرائیل:

اثرات تحولات انقلاب اسلامی بر روابط سایر کشورها قابل ملاحظه است.(3)

مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق انگلیس:

ما، غربیان در دهه 1980 از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان

1- کیهان، 17/11/63 .
2- همان.
3- اطلاعات، 14/11/63.

ورشو مجهز به سلاح های نظامی باشند و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح باشند، ما نیز به سلاح های مدرن مسلح و مجهزیم، لکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می ترسیم.(1)

ریچارد نیکسون، از رؤسای جمهور اسبق آمریکا:

وقتی حکومت شاه در سال 1979م (1375ش) سقوط کرد، یک خلاء قدرت تازه به وجود آمد. انقلاب ایران، در واقع، انقلابی بود علیه ارزش های غربی. این انقلاب، همان قدر که از سرمایه داری تنفر داشت، از کمونیسم نیز متنفر بود. هر دو را به مانند دو روی سکه مادی گرایی می دید. پس از انقلاب، مردم ایران همان چیزی را به دست آوردند که انقلاب قول داده بود. جای انکار نیست که انقلاب اسلامی یک انقلاب واقعی اندیشه ها را ارائه داد و آنان آن را با عشق و ایمان پذیرفتند.(2)

آنچه که انقلاب اسلامی به اثبات رسانده و به دنیا بیان کرده، این است که اسلام شایستگی حاکمیت بر جامعه را دارد؛ زیرا که دین آسمانی است. از این رو، در کشورهای اسلامی - عربی تأثیر گذاشته است و انقلاب هایی که هم اکنون در سایر کشورهای عربی شکل گرفته اند، جز ثمره درخت انقلاب اسلامی چیز دیگری نیست. انقلاب، ثمره های دیگری نیز دارد که اثرات آن را در کشورهایی چون تونس، الجزایر، مصر، آذربایجان، کشورهای استقلال یافته ی شوروی سابق و سایر نقاط دنیا می بینیم. این انقلاب ها، نهرهایی هستند که از سرچشمه جوشان انقلاب اسلامی ایران، در نقاط مختلف جهان، شاخه شاخه شده اند. انقلاب

1- پیام انقلاب، ش 26، 27/11/69 .
2- پیروزی بدون جنگ، ریچارد نیکسون، ترجمه دکتر جعفر ثقه الاسلامی.

اسلامی ایران، تکرار و تجدید نهضت امام حسین علیه السلام است.

روزنامه ی البعث چاپ دمشق:

جهان عرب و تمامی جهان، تحت تأثیر رویدادهای ایران قرار گرفته اند که در آن، تاریخ با خون ملت و با خط راست ملت نوشته شده است.

روزنامه ی آمریکایی تایمز:

دنیای غرب، به دلیل انقلاب ایران، ناگهان بار دیگر اسلام را باور کرد. جنب و جوشی که به دنبال انقلاب اسلامی ایران به وجود آمد، هنوز ادامه دارد. برای اولین بار یک کشور مسلمان، به طور موفقیت آمیز، قدرت بزرگ غربی را به مبارزه طلبید، آن را تحقیر و خسارت مادی به منافع آن وارد کرد. این مورد، قدرت بزرگ غربی آمریکا بود و این ضربات، از طریق جنبشی وارد شد که نه به نام ملی گرایی بلکه با نام اسلام که دارای ریشه های قدیمی تر و عمیق تر بود، عمل کرد.

6. هر انقلابی با این وسعت و عمق و با این اهداف و شعارها که بر خرابه هایی دو هزار و پانصد ساله بنا شود و بار جنگی هشت ساله را به دوش کشد، بدون تردید، در معرض مشکلات و آسیب های فراوان قرار می گیرد. به خصوص آنجا که داعیه صدور انقلاب و حمایت از فلسطین و همه گروه های آزادی بخش و مستضعفان عالم را هم داشته باشد، که در این هنگام، دشمن، آرام نمی نشیند و با ترویج شبهات، شهوات، بدعت ها و در نهایت، هجوم مستقیم با تو درگیر می شود.

در برابر انقلابی با این وسعت و عظمت و با این انبوه مشکلات و دشمنان داخلی و خارجی، بهترین موضع گیری، گفته آن استاد فقید است که گفته بود: «توجیه، حماقت و تضعیف، جنایت و تکمیل، رسالت ما است».

باید آموخت که اشتباه را از هیچ کس و از هیچ مقامی توجیه نکنیم. به گفته

امام راحل، انقلاب به هیچ کس و هیچ دسته ای دینی ندارد. تضعیف این انقلاب نیز جنایتی نابخشودنی است؛ چون، به گفته همان استاد، انقلاب تنها کشتی نجاتی است که در این دریای مواج و طوفانی و این دنیای وانفسا قرار دارد. سوراخ کردن این کشتی، مرگ خود، بل ناامید کردن همه مستضعفان و آزادی خواهان این کره خاکی است. رسالت ما و همه آگاهان و دل سوزان، تکمیل ضعف ها و کمبودهای انقلاب است.

هر کس در هر کجاهست، چه داخل و چه خارج، باید از انجام هر کاری که می تواند در جهت تکمیل این انقلاب بکند، دریغ نورزد و کوتاهی نکند که بی هیچ تردید، از این نعمت و این مسئولیت بزرگ از آنان سؤال خواهد شد: ((وَ أَمَّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّث))،(1) ((وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ)).(2)

7 . هر انقلابی، عوامل رشد و انحطاط و رکود دارد. شرط بقای هر انقلاب، شناسایی مدام این عوامل و به کار بستن و یا جلوگیری از آنهاست.

بر زعمای قوم و دل سوزان و برنامه ریزان انقلاب است که پیوسته، در پی شناسایی هر یک از این عوامل، و اقدام مناسب براساس آنها باشند. از همه این عوامل، در جای دیگری باید گفت و شنود کرد.

8. مقوله مهدویت، به دلیل دارا بودن ویژگی های بسیار، یکی از توان مندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. طرح درست این مقوله و گسترش این فرهنگ در سطح جامعه، بی تردید، باعث شکوفایی هرچه بیش تر جامعه و حفظ آن از فرو رفتن در فسادها و تباهی ها است.(3)

1- ضحی(93)،11.
2- صافات(37)،24.
3- برگرفته از فصلنامه انتظار موعود، شماره 6 با کمی تغییر.

حکومت اسلامی ایران، جلوه ای از ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف(1)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه شیعیان را در زمانه غیبت، رجوع به عالمان و راویان حدیث جامع شرایط تعیین فرموده است: «و اما در حوادثی که برایتان واقع می شود، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ همانا که ایشان حجّت من بر شمایند و من، حجّت خدا بر ایشانم»؛ (2) بنابراین حدیث شریف، در دوران غیبت، فقیهان جامع شرایط و در صدر آنها ولیّ فقیه که شبیه ترین مردم به امام معصوم علیه السلام هستند، حجّت های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما شمرده می شوند.

خداوند رحمان، پس از هزار و اَندی سال، به ما شیعیان ایران توفیق داد تا در لوای رهبری مردی از تبار اهل بیت علیهم السلام حکومتی اسلامی را به نیابت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بنیان گذاریم. بندگانی خالص و از جان گذشته، آن رهبر الهی را یاری کردند و با نثار جان و تمام هستی خویش، زمینه ای را فراهم آوردند تا پس از قرن های متمادی، این اصل اصیل شیعی تحقّق یابد.

ص: 27

1- آیت الله محمد تقی مصباح یزدی.
2- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: «و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی رواه حدیثنا فإنهم حجّتی علیکم وأنا حجّه الله علیهم»؛ (بحارالانوار، ج53، ص181).

خداوند رحیم، نعمت بزرگی را به شیعیان ایران عطا کرده است! {امّا} ما این نعمت بزرگ را خیلی دست کم گرفته و از برکات بی شمار آن غافل مانده ایم! یکی از هزاران هزار برکات انقلاب، رواج قرآن در جامعه است.

حکومت اسلامی ما با این همه برکت و نعمت، فقط تابش پرتوی از نور ولایت تشریعی وجود مقدس حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام است. حال اگر این خورشید درخشان، طلوع کند و به طور کامل بر پهنه گیتی بتابد، چه بهشتی بر روی زمین ایجاد خواهد شد؟!

اگر بخواهیم این نظام برقرار باشد، باید محور این نظام محفوظ بماند؛ باید مورد حمایت قرار گیرد؛ باید به او عشق ورزید و نباید در اطاعت او کوتاهی کرد. همه می دانند که برقراری این نظام اسلامی، مرهون زحمات امام راحل است. اگر شخص امام خمینی نبود، چنین انقلابی به پیروزی نمی رسید. شکّی نیست که حمایت های همه جانبه مردم از امام، باعث برقراری و جاودان ماندن این نظام اسلامی شد. مگر می شود انسان به اسلام علاقه مند باشد؛ ولی به نظام اسلامی علاقه ای نداشته باشد.

اگر امروز امام میان ما نیست، باید همان محبّت، ارادت و سرسپردگی را به جانشین او داشته باشیم که الحمدلله این محبّت و ارادت را داریم. خدا را شکر می کنیم که برای این دوران،کسی را ذخیره فرمود تا بتواند وظایف رهبری را به خوبی انجام دهد. ما باید برای سلامت و توفیق او دعا کنیم؛ در خلوت و تاریکی شب، از خدا بخواهیم حضرتش را برای رهبری عالم اسلام حفظ کند. باید در عمل، حامی و پشتیبان همه جانبه او باشیم و این ارادت را به رخ دشمنان او بکشیم. اگر خدای ناکرده این وحدت خدشه دار شود، مسئولش من و شما هستیم. شهیدان ما وظیفه خود را انجام دادند و هم اکنون ثمره ایثار و جهادشان را به دست من و شما سپرده اند؛ ما هستیم که باید دستاوردهای آنها را حفظ کنیم. اگر

در این کار کوتاهی کنیم، هم به آنها و هم به تمام انبیا و اولیای الهی خیانت کرده ایم.

اگر در گوشه و کنار، از کسانی خطاهایی سر می زند و اگر کوتاهی هایی هست، باید آنقدر هوشیار و خردمند باشیم که این نقایص جزئی، ما را درباره اصل و کلّ نظام سست یا محبتمان را به آن کمرنگ نکند. مگر در زمان حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام نقص وجود نداشت؟! زمان حکومت امیر مؤمنان علیه السلام همه والیان و حاکمان او فرشته نبودند! چنان نبود که درهیچ جای عالم، هیچ خلاف شرعی انجام نگیرد. آن دست های دزدان که بریده و حدهایی که جاری می شد، برای چه بود؟ آن نامه های عتاب آمیز حضرت و آن توبیخ ها و مؤاخذه ها که در نهج البلاغه ثبت شده، برای چه کسانی بوده است؟! دلیل مطلوب بودن آن نظام، این بود که محورش علی علیه السلام بود. در کنار این نظام، ممکن است خطاهایی رخ دهد؛ امّا آیا درست است که به سبب خطاها، از حمایت حکومت حضرت علی علیه السلام دست برداریم؟!

هیچ کس نمی گوید در کشور ما، هیچ اشتباهی رخ نمی دهد؛ هیچ ظلمی انجام نمی شود و هیچ خلاف شرعی صورت نمی گیرد، امّا این نقایص را نباید به حساب اصل نظام و رهبری آن گذاشت. ما همه آگاهیم که رهبر معظّم انقلاب دام ظله، نهایت جدّیّت را برای اجرای احکام اسلامی و اجرای عدالت به کار می برد. مبادا وسوسه های شیطانی در دل بعضی از جوانان ما اثر بگذارد و محبّتشان به این نظام و رهبری آن کم شود! ما با این کارمان نه تنها ضرر می کنیم، بلکه به همه شهیدانی که با خونشان این درخت را آبیاری کرده اند، خیانت می کنیم.(1)

1- برگرفته از کتاب آفتاب ولایت با تلخیص.

انقلابی ماندن، مهم است !(1)

((فَلَمَّا فَصَلَ طالُوتُ بِالْجُنُودِ قالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّى وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّى إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ فَلَمَّا جاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قالُوا لا طاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجالُوتَ وَ جُنُودِهِ قالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ))؛(2) پس هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: خداوند شمارا به یک نهر آب آزمایش می کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هرکس از آن نخورد از من هست، مگر آنکه با دست مشتی برگیرد (و بیاشامد.) پس (همین که به نهر آب رسیدند) جز اندکی همه از آن نوشیدند، سپس هنگامی که او و یاوران با ایمان او از آن نهر گذشتند، (و دشمن را دیدند) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم. امّا آنها که اعتقاد داشتند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز قیامت ایمان داشتند). گفتند: چه بسا گروهی اندک که با اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) است.

1- حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی.
2- بقره(2)،249.

نکته ها:

1. امام باقر علیه السلام می فرماید: «افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، سیصد و سیزده نفر بودند».(1)

2. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند اصحاب موسی را به وسیله نهر آبی امتحان کرد چنانکه خدا فرمود: ((إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ))؛ اصحاب قائم هم چنین امتحانی خواهند داشت».(2)

3. مدیر باید نیروهای کارآمد را از نیروهای ناکارآمد جدا نماید تا بتواند نیروهای غیرمفید را از مجموعه دور کند، زیرا حضور آنها باعث سست شدن دیگر نیروها می شود: «فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَیْسَ مِنِّی».

4. برای منصوب کردن افراد در مقامات مورد نظر، گزینش و آزمایش لازم است. چنانکه خداوند حضرت ابراهیم را برای انتصاب به امامت آزمود.(3)

5. یکی از راههای آزمایش، ممنوعیت های موسمی است. راحت طلبی و عدم تحمل فشارها و سختی های موسمی و زودگذر با سلحشوری سازگاری ندارد: «إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ».

6. پیش از برخورد و مقابله با دشمن، باید تمرین مقاومت کرد: «مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ».

7. انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است. در این ماجرا تعداد شعار دهندگان کم نبود، ولی آنان که در آزمایش موفق شدند، اندک بودند: «إِلّا قَلِیلاً مِنْهُمْ».

1- تفسیر نورالثقلین، ج 1، ص 251.
2- غیبت طوسی، ص 472.
3- انسان(76)، 2؛ ملک(67)، 3.

8. ایمان درجاتی دارد. با اینکه گروهی با طالوت همراه بودند و به او ایمان داشتند و از نوشیدن آب هم گذشتند: «آمَنُوا مَعَهُ»، ولی هر مؤمنی رزمنده نیست؛ تنها مؤمنانی رزمنده هستند که به لقاء اللّه ایمان داشته باشند: «یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ».

9. نیروهای کیفی هرچند اندک باشند، برنیروهای کمّی برتری دارند: «کَمْ مِنْ فِئَهٍ قَلِیلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً کَثِیرَهً ...».

10. ملاک عزل و نصب ها، باید اهلیت و صلاحیت افراد باشد. کلید خوشبختی جامعه، بر سر کار بودن افراد لایق و رفتار عادلانه است و منشاء نابسامانی ها، ریاست نااهلان است.

11. رعایت اصل شایسته سالاری لازم است؛ حتی در باره زیردستان و خداوند کسانی را که شایسته هستند، سرپرستی می کند: ((هُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ)).(1)

12. مردی از خراسان به امام صادق علیه السلام پیشنهاد قیام کرد و گفت: «شما صدهزار نیروی مسلح دارید»، امام برای آزمایش میزان فداکاری آنها به او فرمود: «به آن تنوری که پر از آتش است وارد شوید»، ولی آن مرد از انجام این کار سر باز زد و عذرخواهی کرد. در این هنگام هارون مکّی(از یاران امام) وارد شد و به امام سلام کرد. امام به او فرمود: «کفش هایت را کنار بگذار و به تنور آتش وارد شو». هارون با کمال راحتی به تنور وارد شد. امام در آن حال با او به گفتگو پرداخت و از او درباره اوضاع و احوال خراسان پرسید، سپس رو به خراسانی کرد و گفت: «برو داخل تنور را نگاه کن». مرد خراسانی با نگرانی از جا برخاست ولی هارون را در کمال سلامتی و تندرستی دید. امام از او پرسید: «از این شیعیان

1- اعراف(7)، 196.

تنوری که هر چه ما گفتیم، تسلیم باشند و نق نزنند، چند نفر داریم؟» وی گفت: «شیعه تنوری هیچ».[1] آری میان ادّعا و عمل فاصله زیاد است. البتّه آن یار فداکار در تنور نسوخت (همچون ابراهیم که در میان آتش نسوخت).

1- بحارالانوار، ج 47، ص 123.

چهار استراتژی انقلاب اسلامی در حرکت به سوی ظهور(1)

اشاره

باور عمومی مردم در طول انقلاب اسلامی و پس از آن، باور به وجود یک ارتباط ماهوی میان انقلاب اسلامی و مهدویت بود و همچنان هست؛ اما با وجود تلاش های مستمر اندیشه ورزان متعهد، وجه نظری این باور نیازمند کنکاش بیشتری است. انقلاب اسلامی یک پدیده اجتماعی است که جوهره آن را اسلام و تشیع تشکیل می دهد. اینکه چگونه دکترین مهدوی در متن باورهای شیعی، یکی از ارکان انقلاب اسلامی را رقم زد، پرسشی است که با دکتر حسن عباسی، رئیس مرکز بررسی های دکترینال، در میان گذاشته ایم تا با یکدیگر، پاسخ آن را از پنجره تفکر استراتژیک نظاره گر باشیم.

هنگامی که از انقلاب اسلامی سخن می گوییم، از یک تحول اجتماعی با بن مایه دینی حرف می زنیم؛ چگونه اسلام، بن مایه و جوهره انقلاب ایران در سال 1357 شد؟

1- گفتگو با دکتر حسن عباسی.

بسم الله الرحمن الرحیم. در سال 1357 سه گروه مدرنیست در صحنه حضور داشتند: مارکسیست ها که در ایران به جریان چپ مشهور بودند، لیبرالیست ها که جریان راست را شامل می شدند و ناسیونالیست ها که به ملی گرا معروف بودند و برخی از آنها هر چند که گرایش های چپ هم داشتند، اما غلبه با وجه لیبرالی آنها بود. حزب توده و چریک های فدایی در جناح چپ، نهضت آزادی در جناح راست و جبهه ملی در جناح ناسیونالیست ها، نماد این سه گروه بودند. علی رغم این حضور دیرپا و گسترده گروه های مدرنیست در صحنه، عموم مردم رویکرد دین مداری را در تحول اجتماعی ایران برگزیدند. این گزینش مردم ایران، بر خلاف عرف رایج آن عصر در میان کشورها بود. کشورهایی که در قرن بیستم میلادی به تحول عمیق اجتماعی و انقلاب سیاسی می پرداختند یا به ایدئولوژی مارکسیسم چنگ می زدند، یا لیبرالیسم و ناسیونالیسم را مبنای عمل خود قرار می دادند. مردم ایران، هر چند از عصر مشروطه به این سو، ایدئولوژی های مدرن چپ و راست را از زبان شبه روشنفکران ایرانی شنیده بود، اما در نهایت، باور عمومی خود؛ یعنی اسلام را مبنا قرار داد و انقلاب را بر اساس اسلام رقم زد.

اسلام برای مردم ایران، دو منبع دارد: قرآن به عنوان الگوی نظری و عترت به عنوان الگوی عملی. قرآن کریم به عنوان منبع وحیانی نظری، دربردارنده دکترین های اساسی است که این دکترین ها، مبانی نظری انقلاب اسلامی قرآن بنیان را شکل داده اند. دکترین ((إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ؛ خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند)).(1) نمونه این دکترین های قرآنی است. بر اساس این آیه تا قومی در نفس خود تغییر

1- رعد(13)،11.

ایجاد نکنند، خدا در آن قوم تغییری ایجاد نمی کند.

این دکترین، موجب بطلان برداشت مارکس، بانی ایدئولوژی مارکسیسم است. شاید این سخن مارکس که «دین افیون توده هاست»، درباره مسیحیت تحریف شده در اروپا صدق می کرد؛ زیرا مسیحیت، توان برانگیختگی اجتماعی و پویایی زمانی در اصلاح جامعه را ندارد، اما دکترین های قرآنی به طور عمده در بردارنده اصول «شدن» و «صیرورت» فردی و اجتماعی است. لذا وقتی یک دین، تحقق تغییر در هر قوم را به تحقق تغییر در نفس تک تک مردم آن قوم منوط می کند، این دین پویایی حیات و زندگی اجتماعی را رقم می زند و تریاک و خلسه آور توده ها نیست. از این رو، اسلام مبتنی بر دکترین های قرآن، توانست مبنای انقلاب اسلامی واقع شود.

منبع دوم که نام بردید؛ یعنی عترت، به عنوان الگوی عملی انقلاب اسلامی، چگونه در سال 1357 مبنای این تحول عظیم و بی نظیر اجتماعی شد؟

نقش منبع دوم، یعنی عترت، در انقلاب اسلامی ایران، اگر از نقش منبع نخست؛ یعنی قرآن عظیم بیشتر نباشد، کمتر از آن نیست. قرآن و عترت قابل جدایی نیستند و فهم قرآن بدون عترت و بالعکس، فهم کاملی از اسلام نیست. مطلوب آن است که یک مسلمان فهم کاملی از قرآن و فهم کاملی از اسلام داشته باشد. جمع این دو موجب فهم جامع از اسلام می گردد، از این رو مردم، اسلام را به قرآن های ناطق یعنی چهارده معصوم علیهم السلام می شناسند.

همان گونه که قرآن به عنوان یک منبع نظری در تحول اجتماعی، از راه دکترین های خود مؤثر است، عترت نیز از نظر دکترین های خود که ترجمان قرآن

کریم است، به عنوان الگوی عملی، الهام بخش تحولات اجتماعی است. این دکترین ها از سوی شیعیان سرلوحه رفتار فردی و اجتماعی واقع می شوند. برای نمونه، می توان به دکترین های امام حسین علیه السلام پرداخت که در وقوع انقلاب و سپس در دفاع مقدس، مبنای عمل انقلابیون و رزمندگان اسلام بود.

بنابراین در یک جمله پاسخ پرسش شما این است که اسلام از راه دکترین های محکم و استوار دو منبع کامل یعنی قرآن و عترت، مبنای وقوع انقلاب 1357 گردید و مردم ایران دکترین های اسلام را به دکترین های مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در تحول سیاسی- اجتماعی خود ترجیح دادند.

یکی از چهارده معصوم علیه السلام، وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که منشأ باور مهدویت در شیعیان است. نسبت انقلاب اسلامی با مهدویت چیست؟

باور مهدویت، باور انتظار است؛ باور این نکته که انسان کاملی ظهور می کند و بشریت را نجات می دهد. زمان این ظهور مشخص نیست، اما وقوع آن قطعی است. نسبت به این وقوع قطعی ظهور، دو برداشت در میان شیعیان وجود دارد. برداشت نخست از آن شیعیانی است که می گویند باید منتظر ماند تا حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور بفرمایند و بشر را نجات دهند، از دیدگاه این گروه، حتی نباید در عصر غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، تلاش سیاسی کرد و حکومتی براساس دین تشکیل داد. این انتظار ظهور، انتظار منفعل است.

در برابر این گروه، برداشت دومی قرار دارد. گروه دوم شیعیان معتقدند که برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید زمینه سازی کرد. این زمینه سازی، فعالیت های زیادی از جمله تشکیل حکومت به نیابت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز در بر می گیرد.

ص: 38

برداشت این گروه دوم شیعیان، نسبت به مهدویت، موجب پیدایش مفهوم «انتظار فعال» شده است.

در برداشت گروه نخست، همه باید بمانند تا حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت آنان بیایند و آنان را نجات دهند، اما در برداشت گروه دوم، همه باید در نظر و عمل، به سمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بروند تا لایق «فرج» بشوند. در این برداشت، «انتظار فرج و انتظار ظهور» از «انتظار آمدن» جدا می شود. در واقع فرج و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صورتی تسهیل می شود که شیعیان آن را بخواهند و خود را برای آن لایق کنند. این خواستن، عامل تحرک شیعیان و پویایی جامعه شیعی شده و آنها را به سمت الگوها و انگاره های فردی و اجتماعی مورد نظر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سوق می دهد. وقتی شیعیان به آن الگوها و انگاره ها نزدیک شدند و از نظر فردی و اجتماعی، «ادب» مهدوی یافتند، حتی می توانند حکومت دینی تشکیل داده و در نظر، زمینه را برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده کنند. این انتظار، به انتظار فعال معروف است که در برابر انتظار منفعل قرار دارد.

مؤلفه اصلی تمایز انتظار فعال از انتظار منفعل در مهدویت شیعی در چیست؟

تمایز انتظار فعال از انتظار منفعل در تأدیب و تربیت فردی و اجتماعی، برای تغییر و تحول است. در انتظار منفعل، فرد منتظر هیچ کاری انجام نمی دهد و فقط با دعاکردن، منتظر ظهور است. این بی عملی، موجب رخوت و سستی شده و هیچ تحرک فردی و اجتماعی را در پی ندارد؛ اما انتظار فعال موجب تربیت فرد و جامعه منتظر می شود و آنها را به حرکت در می آورد.

شیعه منتظر منفعل، هم چون قطعه آهن خامی است که در گوشه انبار در

تاریکی قرار دارد. پس از چند قرن در نهایت می پوسد. او لایق هیچ خدمت و کاری نشده است. اما شیعه منتظر فعال، همچون قطعه آهن خامی است که تربیت مهدوی می یابد؛ یعنی تحرک و پویایی اجتماعی دارد: گرمی روزگار را می چشد و می سوزد، سردی روزگار را لمس می کند و پتک حوادث روزگار بر سر و روی او فرود می آید و او را آبدیده می کند. او به فولاد تبدیل می شود و لیاقت عملی و کارکردگرایانه می یابد. قطعاً شیعه منتظر منفعل به درد ماقبل و مابعد ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی خورد، زیرا رفتار او با قرآن مجید مغایر است.

این تفسیر از انتظار فعال، چگونه در انقلاب اسلامی قابل ردیابی است؟

در فضای ایدئولوژیک دهه های 50-1340 که سیطره فلسفه تاریخ هگل بر محافل روشن فکری مشهود بود، حکمت تاریخ شیعه، هژمونی فلسفه تاریخ هگل را به چالش کشید. در حکمت تاریخ در برداشت شیعی، تاریخ یک ابتدا و یک انتها دارد. تاریخ با نخستین نبی، یعنی آدم علیه السلام آغاز می شود و با ختم نبوت به وسیله خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بخش نخست تاریخ با عنوان کلّی «بخش نبوت» ختم می شود.

بخش دوم تاریخ در برداشت شیعه، دوره امامت است که بلافاصله پس از نبوت آغاز می شود. هرچند برخی از انبیا، افزون بر مقام نبوت از مقام امامت نیز برخوردار بودند، اما عصر امامت معصومانی که نبی نیستند، پس از پایان نبوت آغاز شد. این دوره، با اعلام ولایت و امامت علی علیه السلام در روز غدیر، به وسیله حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز گردید و تا پایان ادامه دارد. از این رو، حکمت تاریخ شیعه که آغاز و پایان مشخصی دارد، از دو قطعه اصلی تشکیل شده است: بخش نبوت؛ از آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و بخش امامت؛ از علی علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ص: 40

سیر حرکت انبیا علیه السلام و سپس سیر حرکت ائمه علیه السلام، یک پیوستگی دارد که جوهر این پیوستگی، مفهوم «عهد» است. اینکه جوهر حکمت تاریخ از این نظر «عهد» نامیده می شود، به این پیوستگی و اندراج ناظر است.

بخش دوم تاریخ؛ یعنی عصر امامت، با امامت دوازده امام معصوم علیه السلام ادامه داشته و در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا غیبت صغرا و سپس غیبت کبرا وقوع یافته است. در دوره غیبت، چهار نفر به عنوان نایب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شدند. پس از این نواب خاص، ارتباط شیعه با عالی ترین مراجع علمی هر عصر برقرار شد. این افراد، زعامت شیعه در ذیل امامت شیعه را بر عهده داشتند. در واقع حرکت انبیا علیهم السلام به حرکت ائمه علیهم السلام انجامید و حرکت ائمه علیهم السلام در عصر غیبت، حرکت زعما را در متن خود پروراند. ابن قولویه، ابن بابویه، شیخ مفید، شیخ طوسی، طبرسی، علامه حلی، علامه مجلسی، میرزای شیرازی، وحید بهبهانی، محقق کرکی، شیخ بهایی، میرداماد و شیخ انصاری، برخی از این زعمای شصت نفره تا زمان امام خمینی رحمه الله هستند. جغرافیای نهضت زعما، از جنوب لبنان و حلب در سوریه تا حله و نجف و سامرا در عراق و اصفهان و کاشان و قم در ایران گسترش داشته است. مرحوم شیخ عبدالکریم حائری فعالیت را از نجف به قم منتقل کرد و به احیای حوزه علمیه قم پرداخت، سپس مرحوم آیت الله بروجردی با فعالیت علمی - فرهنگی، این روند را تقویت نمود و در پایان امام خمینی رحمه الله، انقلاب سیاسی را از قم آغاز کرد و در سال 1357، اراده الهی در پیروزی انقلاب رقم خورد.

هر یک از این شصت نفر زعیم شیعه در هر دوره ای، مدیریت اجتماعی و هدایت معنوی جامعه شیعی را بر عهده داشتند. اینان با نوآوری های علمی - فرهنگی و سیاسی، اجتهاد خود را بروز داده اند. حرکت همه این افراد، در درون

یک مفهوم کلی قابل مطالعه و ارزیابی است: مفهوم «نهضت انتظار». در واقع رفتار اجتماعی این زعما، با یک مفهوم مشترک قابل ارزیابی است و آن مفهوم، «انتظار فعال» است.

نهضت انتظار، استمرار نهضت انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام است. زعما کسانی بودند که با اعتقاد به مهدویت، انتظار فعال را رقم زدند. انقلاب برخی از آنان، انقلاب علمی بود، انقلاب برخی دیگر، انقلاب فرهنگی، برخی مخفی و برخی آشکار و در نهایت انقلاب سیاسی امام خمینی رحمه الله، تلاش های آن زعما را به بار نشاند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، افزون بر پیشینه نهضت انبیا علیهم السلام و نهضت ائمه علیهم السلام، از پیشینه نهضت زعما که نهضت انتظار است، بهره برد.

دکترین انتظار فعال، جوهر عمل این افراد بوده است. حاصل انتظار فعال، در نهضت انتظار، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل گیری مقاومت اسلامی در لبنان در قالب حزب الله بوده است و از این پس نیز هر حرکت شیعی مؤثر، به طور یقین از مجرای انتظار فعال در بستر نهضت انتظار رقم خواهد خورد. بنابراین در یک جمله می توان گفت که اساساً، انقلاب اسلامی محصول نهضت انتظار و نهضت انتظار، حاصل انتظار فعال بوده و هست.

نکته کامل کننده، اینکه در جامعه شناسی تحول، پنج مفهوم چشمه، موج، جنبش، جریان و نهضت به ترتیب، در نسبت با یکدیگر تعریف می شوند. چشمه اجتماعی، موج اجتماعی، جنبش اجتماعی، جریان اجتماعی و نهضت اجتماعی، ادامه دهنده یکدیگر هستند. نهضت انتظار، نهضتی است که از هزاران چشمه، صدها موج و جنبش و ده ها جریان تشکیل شده است. انقلاب اسلامی ایران، یکی از جریان های نهضت انتظار بوده است. در آینده نیز چشمه ها، موج ها، جنبش ها و جریان های بسیاری باید مبتنی بر انتظار فعال در قالب نهضت انتظار شکل بگیرد

ص: 42

تا ظهور را زمینه سازی کند. از این روست که درک انقلاب اسلامی، بدون فهم نهضت انتظار و انتظار فعال، امکان پذیر نیست.

انتظار فعال چگونه محقق می شود و ادامه پیدا می کند؟

انتظار فعال در نسبت با زعما و رهبران دینی تعریف می شود. وقتی سخن از نهضت به میان می آید، جریان های موجود در نهضت اجتماعی از رهبر و ولی برخوردارند. سلسله زعما در نهضت انتظار، سلسله ولایت در هر یک از جریان های علمی- فرهنگی، سیاسی درون نهضت هستند. سلسله زعما در عصر غیبت، سلسله ولایت فقیه است. انتظار فعال در متن نهضت انتظار به وسیله ولی فقیه هر دوره محقق شده و ادامه می یابد.

در واقع نسبت ولایت فقیه و حکومت مهدوی از این مصدر تعریف می شود؟

بله ! اما نسبت ولایت فقیه و مهدویت و ولایت فقیه و حکومت مهدوی به تحقق انتظار فعال محصور و محدود نمی شود. ولایت فقیه و حکومت ولی فقیه، بسترساز ظهور و زمینه ساز حکومت مهدوی است. سیر نهضت انتظار که سیر زعامت شیعه در عصر غیبت است، در نهایت، در قالب انتظار فعال، به ظهور و سپس به حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و در پایان به تحقق جامعه مهدوی منتج می شود، ان شاء الله.

انقلاب اسلامی ایران در حرکت به سوی ظهور و تحقق حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه استراتژی هایی توجه دارد؟

مراحل ظهور، تحقق حکومت جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل جامعه مهدوی، مراحلی است که به اقدامات گسترده ای نیاز دارد. ابتدا تبیین الگوی

نظری، از جامعه آرمانی. استراتژی انقلاب اسلامی در این مرحله، تحت عنوان تبیین «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» مطرح شده است. ارائه الگوی عملی و الهام بخش از جامعه آرمانی، استراتژی دوم انقلاب اسلامی است. برای این استراتژی پنج گام معرفی شده است:

گام نخست: وقوع انقلاب اسلامی. گام دوم: تشکیل نظام اسلامی. گام سوم: تشکیل دولت اسلامی. گام چهارم: تشکیل جامعه و کشور اسلامی و گام پنجم تشکیل امت اسلامی و تمدن جهانی اسلام. ارائه این دو الگو از یکدیگر جدا نیست. الگوی نظری و سپس الگوی عملی از جامعه ی آرمانی مهدوی، استراتژی اساسی جمهوری اسلامی در این مقطع است.

استراتژی سوم، همزمان با تبیین الگوی نظری و الگوی عملی جامعه آرمانی، تبیین گزاره های طراز است:

انسان طراز، معلم طراز، زن طراز، مرد طراز، قاضی طراز، هنرمند طراز، مدیر طراز، وزیر طراز، پلیس طراز و سایر موارد دیگر، در کنار سیاست طراز، اقتصاد طراز، تربیت طراز، علم طراز، هنر طراز، صنعت طراز، معماری طراز و گزاره هایی مانند این قبیل.

استراتژی چهارم، تحقق «ادب مهدوی» و انتظار فعال در همه سطوح و نسل هاست.

البته این چهار استراتژی با موانع گوناگونی روبه رو هستند. موانعی مانند تحجر، تبلیغ انتظار منفعل، القای یأس، ضرورت ذوب در نظام سلطه بین الملل، پذیرش مدل های نظری و عملی لیبرالیسم، حرکت گسترده تبلیغی - سیاسی و نظامی اتحاد منطقه ای صهیونیسم و وهابیسم - پیوند صهیونیسم یهودی با صهیونیسم مسیحی (آونجلیست ها) و صهیونیست های مسلمان (بهائیت و وهابیت)- و مواردی

دیگر. به طور طبیعی پیشرفت های علمی - فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، عامل کلیدی خنثی کننده این موانع است. بصیرت عمومی نیز تقویت کننده این روند در خنثی کردن موانع پیش روی نهضت انتظار است.

افق پیش رو را چگونه می بینید؟

قرن بیست و یکم میلادی، قرن نابودی محیط زیست نامیده شده است. منابع به سرعت در حال کاهش است. نیاز به انرژی روز به روز بیشتر می شود، اما منابع آن کاهش می یابد. فساد عمومی در محیط زیست و در جوامع بشری شیوع یافته است. در واقع ((ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ))(1) اکنون به چشم می آید. از سوی دیگر مدل های مدرن اداره جهان مانند مارکسیسم و لیبرالیسم، ناکارآمدی خود را نشان داده اند. بشر، منتظر ارائه الگوهای بدیع جایگزین است. در سال های اخیر، هر بار که با هیئت های علمی و اندیشمندان کشورهای گوناگون شرقی، غربی، آفریقایی و آسیایی روبه رو شده ایم، یکی از پرسش های آنها این بوده است که پس انقلاب اسلامی، چه موقع الگوی نظری خود را برای اداره کشور ها در برابر مدل لیبرالیسم ارائه می کند؟ آنان مباحث عمومی جنبش نرم افزاری را شنیده اند و بر این باورند که در دهه های آتی، جمهوری اسلامی باید نرم افزار اداره جوامع را به عنوان جایگزین نرم افزار سوسیالیسم یا کاپیتالیسم و لیبرالیسم ارائه نماید. بنابراین نخبگان جهان پرسش «چه باید کرد؟» را این سو و آن سو، پیوسته تکرار می کنند. لذا محیط سخت افزاری و نرم افزاری آینده، با ابهام جدی روبه روست و فرصت طلایی خداباوران برای

1- روم(30)،41.

تحقق وعده الهی در شکل گیری حکومت صالحان بر زمین، به مرور فرا می رسد. از این رو می توان به آینده بسیار خوش بین بود که: « الَیْسَ الصُّبْحُ بِقَریبٍ؛ آیا صبح نزدیک نیست؟».

ص: 46

فریادهای انتظار(1)

(بازنمایی پیوندهای دو سویه انقلاب اسلامی ایران و آموزه مهدویت)

اشاره:

تحلیل انقلاب ها اساس یک سلسله پیش فرض ها و تئوری هایی است که رهیافت خاصی را در فهم انقلاب اسلامی پردازش می کند. رهیافت اعتقادی و فکری یکی از عمده ترین این رهیافت ها است. در این رهیافت، فهم انقلاب اسلامی در گرو فهم خصایص مذهبی جامعه شیعیِ ایران می باشد. نگارنده این سطور، شکل گیری و تداوم انقلاب اسلامی را ریشه در مکتب سیاسی شیعه می داند؛ بنابراین، به تبیین نقش آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی ایران می پردازد.

طلیعه

برای کاوش در زمینه چگونگی وقوع انقلاب اسلامی، مانند هر انقلاب دیگر، باید به باورهای انقلابیون رجوع کرد. از سویی دیگر، در بحث چگونگی وقوع انقلاب، توجه به ماهیت انقلاب بسیار راه گشا می باشد.

ماهیّت دینی انقلاب اسلامی و پیروزی سریع آن که با این ماهیت ارتباط دارد، بازگوکننده نقش مهم تر تعدادی از دلایل مربوط به چگونگی وقوع انقلاب

ص: 47

1- امیرمحسن عرفان.

اسلامی است. پویایی فرهنگ سیاسی تشیّع، ظلم ستیزی، عدالت خواهی، فعالیت نهاد روحانیت و مرجعیت و ارتباط دائمی آن با مردم از جمله این علل می باشند.

آموزه مهدویت نیز یکی از زمینه های پیروزی انقلاب اسلامی بود. با پیروزی انقلاب اسلامی دریافت متفاوتی از آموزه مهدویت به همگان معرفی شد. تا پیش از آن، تصور بر این بود که خطی مرزی میان دین و حیات بشری دنیای مدرن کشیده شده است و حوزه ی ملاقاتی برای این دو نمی توان در نظر داشت. حتی پرسش از امکان جمع مؤثر میان این دو نیز مجالی برای طرح و عرصه ای برای توجه برانگیزی نمی یافت. در عمل، کنجکاوی هایی از این نوع در حاشیه قرار می گرفت و به اندازه کافی بر آن توجّه نمی شد.

انقلاب اسلامی در چرخشی مبنایی و تحوّلی دوران ساز، به طرح رویکردی جدید از دین و همچنین آموزه مهدویت پرداخت که تصویرگر فهمی تازه و ارائه دهنده برداشتی نو و کارآمد از نقش آفرینی دین در جامعه بود.

نظریه پردازان غربی و انقلاب اسلامی ایران

اندیشمندان غربی به دلیل ساحت تنگ مادّی که در دنیای غرب شکل گرفته و قوام یافته است، هرگز نتوانسته اند و نخواهند توانست که حداقلِ ساحت قدسی و معنوی دین را که جوهره و اساس پیروزی انقلاب اسلامی است، درک کنند. عده ای از نظریه پردازان غربی، عوامل اقتصادی را باعث انقلاب اسلامی می دانند. آنان با اثرپذیری از اندیشه های «مارکس» معتقدند که انقلاب ها محصول تعارض طبقاتی جامعه هستند. عده ای دیگر نیز عوامل روان شناختی و شخصیتی شاه، توطئه غرب علیه او و اشکالات نظام سیاسی حاکم در ایران را از دلایل پیروزی

انقلاب اسلامی می دانند. البته افرادی چون «تدا اسکاچ پل»[(1)] این گونه تحلیل ها را نارسا می دانند و معتقدند اگر در دنیا یک انقلاب، آگاهانه ساخته شده باشد، آن، انقلاب اسلامی ایران است.[(2)]

«میشل فوکو»[(3)] از معدود نظریه پردازان غربی است که برای درک انقلاب اسلامی به طور مستقیم به سراغ مردم انقلابی ایران رفته است. او نیز بر این باور است که انقلاب ایران نمی تواند با انگیزه های اقتصادی و مادی انجام شده باشد؛ زیرا مشکلات اقتصادی نمی تواند میلیون ها ایرانی را به خیابان ها بکشاند و آنان را با سینه های عریان، به مقابله با مسلسل ها ببرد. پس دلیل انقلاب ایران را باید در جای دیگری جست و جو کرد.[(4)]

انقلاب اسلامی ایران و آموزه مهدویت

رازهای بسیاری در باطن انقلاب ما نهفته است. دست یافتن به آنها به ما کمک می کند تا یکی از پرمخاطره ترین حادثه هایی که در دوران ما به وقوع پیوسته است و دامنه آن تا قرن ها ادامه خواهد داشت را بهتر بشناسیم.

بی اعتنایی به عوامل پنهان شکل گیری انقلاب اسلامی، نادیده گرفتن یک سرمایه عظیم معنوی است و حال آن که هیچ ملتی اندوخته های معنوی اش را پنهان نمی کند. در انقلاب ایران، اعتقاد به مهدویت، توانست جمعیت پراکنده ای از اقوام مختلف را محور دین جمع کند و به یکپارچگی ملی معنای دیگری

1- . Theda skochpol.
2- انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص145.
3- . Michel Foucault.
4- رهیافت های نظری بر انقلاب اسلامی، ص321.

بدهد، به یقین آموزه مهدویت خواهد توانست جوامع دیگر را نیز به تکاپو وا دارد. این اتفاق، هنگامی رخ خواهد داد که نیاز به آموزه مهدویت در اندازه یک نیاز اصلی به شمار آید.

برای تبیین اثرپذیری انقلاب اسلامی از آموزه مهدویت باید به این سه نکته توجّه کافی داشت:

نکته اول، جایگاه ویژه امامت در مکتب اعتقادی تشیّع است. اگر ویژگی های موعود اسلام و به معنای دقیق تر، تشیّع را واکاوی کنیم، به رمز و راز انقلاب زایی و تحرک بخشی مهدویتِ شیعی پی خواهیم برد. در هیچ یک از اندیشه های موعودی ادیان و مکتب های گوناگون جهان، موردی به جز شیعه دوازده امامی را نمی توان یافت که موعود الزاماً «امام» باشد.

مفهوم «امامت» با ابعاد و ویژگی های خاصی که در شیعه دوازده امامی دارد، در هیچ مکتب دیگری یافت نمی شود. امام در مکتب اعتقادی تشیّع، هدایت گر، خلیفه خداوند متعال و حجت او بر زمین است که از صفاتی چون عصمت و علم لدنّی بهره می برد. اینکه اندیشه شیعی ضروری می داند که موعود آخرالزمان، امام باشد، به این جهت است که در اسلام، آرمان نهایی فقط رفاه، عدل و امنیت نیست؛ بلکه قیام حجت خدا در قالب موعود جهانی، قیام و ظهور خدا در زمین و در قالب اوصاف، احوال، گفتار و افعالِ امام است.(1)

تأمل در این امر، ما را به این نکته رهنمون می سازد که در پس همه فلسفه ها و مقاصد غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هدفی معرفتی نهفته است و آن، فراهم آمدن شرایط شناخت و پذیرش حقیقت و امکان ظهور حق بر روی زمین است، که تا امروز این

1- جوهره مهدویت، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص 467.

شرایط مهیّا نشده و پیروان راستین آن حضرت، باید در پی آماده کرده این شرایط باشند.

نکته دوم، باورداشتن به غیبت و انتظار موعود آخرالزمان در اندیشه تشیع است. اندیشه منجی موعود در تشیّع به دلیل زنده بودن و حضور او، حالتی از انتظار فعال و پوینده را ایجاد می کند. هر چند در برخی گرایش ها و قرائت ها از این اندیشه، انتظار منجی موعود به گونه ای تبیین شده که ایستایی، خمودگی و بی تفاوتی به وضعیت فعلی جوامع را به دنبال دارد، اما این قرائت ها، معمولاً نادر و غیر اصیل است. آنچه از اندیشه انتظار منجی در میان پیروان ادیان غالب است، تلاش در جهت آمادگی فردی و آماده سازی جامعه برای استقبال از واقعه عظیم ظهور می باشد.

نکته سوم، جایگاه فقها و علمای شیعه در روزگار غیبت است. با ریشه یابی مفهوم «انقلاب» در تفکر سیاسی اهل سنت در می یابیم که در میان آنها فرضیه انقلاب اجازه خودنمایی ندارد و این، بدان جهت است که در میان اهل سنت، علما و اندیشمندان دینی جایگاهی چون مرجعیت شیعی ندارند. جایگاه علما و مجتهدان شیعه، به آنان این امکان و موقعیت را می دهد که مرجع تشخیص ظلم حاکمان باشند و مشروعیت چنین حاکمانی را زیر سؤال ببرند. چنین جایگاهی که در روزگار غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای فقها در نظر گرفته شده سبب گشته است که مرجعیت شیعی در مقاطعی عامل بسیج توده ای و گسترده مردم و مشارکت آنان در امور سیاسی باشند.(1)

1- انقلاب اسلامی شیعه و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی 57، ماهنامه فرهنگ توسعه، شماره 4، سال 74، ص8.

«میشل فوکو» درباره نقش برجسته امام خمینی رحمه الله در رهبری انقلاب می گوید:

شخصیت آیت الله خمینی رحمه الله پهلو به افسانه می زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی، به پشتیبانی همه رسانه های کشورش نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارند.(1)

فرجام سخن

برای نسل ها و عصرهای آینده که تاریخ این روزگار را نیز تحلیل خواهند کرد، دانستن این نکته سودمند است که: اگر در تلاش های سیاسی و فرهنگی، آموزه مهدویت را آرمان خویش قرار می دادیم، از فرصت های طلایی، نتیجه گیری های بهتری کسب می کردیم! انگیزه ام در یادآوری این نکته، فرصت های تاریخی کم مانندی است که آنها را بارها از دست داده ایم و پس از چندی، با افسوس از آن یاد کرده ایم؛ بی آن که چنین تجربه های تلخی را پشتوانه حرکت های آینده قرار دهیم! افسوس از غفلت برخی خواص در عدم اهتمام به آموزه مهدویت و نگاه حدّاقلی به این آموزه و فراموشی نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

1- ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟، میشل فوکو، ص64.

موعودباوری، مبنای الهی انقلاب اسلامی ایران(1)

انقلاب اسلامی ایران زمانی به پیروزی رسید که نیمی از جمعیت جهان، تحت سیطره جهان بینی ماتریالیستی و حکومت های کمونیستی اداره می شد و نیم دیگر، تحت حاکمیت جهان بینی های اُمانیستی و سکولاریستی غربی قرار داشت.

این انقلاب در دورانی به ثمر نشست که نگرش های دین ستیزانه و دین گریزانه، بخش گسترده ای از کره زمین را فرا گرفته بود و در این میان، انقلاب اسلامی ایران قیام علیه این فرایند بود، به عبارتی می توان انقلاب اسلامی ایران را قیام دین و دین مداران علیه لامذهبی و ظلم و ستم بلوک شرق و غرب به شمار آورد.

بر اساس دیدگاه کسانی که دارای بینش الهی هستند و نقش ویژه ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشته اند، تلاش تمام انبیاء، اوصیا و مجاهدان الهی، در طول هزاران سال برای برقراری حکومت الهی و حاکمیت قانون عدل الهی در روی زمین، به وسیله این انقلاب به نتیجه رسید و همین امر، منشاء عظمت این انقلاب شد.(2)

امام خمینی رحمه الله نیز اساس حرکت انقلابی و نهضت خود را دین قرار داد و توجه ویژه ای به عنایت ها و حمایت های معنوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به انقلاب

1- محمد شهبازیان.
2- انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، محمد تقی مصباح یزدی، ص20.

داشت. ایشان در یکی از سخنان خود می فرمایند:

خدا همراه شماست؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعاگوی شماست. از چه می ترسیم؟ چرا بترسیم؟ مایی که راهمان راه خداست... .(1) شما می دانید که این پیروزی به دست آمده است؛ لکن این من نبودم که این پیروزی را به دست آوردم، خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ما را پیروز کرد.(2)

استفاده از دین و موعود باوری در سخنان امام رحمه الله چنان گویا است که اندیشمندان غربی درباره ماهیت انقلاب اسلامی چنین می گویند:

ایران نخستین انقلاب سیاسی - اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد. انقلابی که با نام «اسلامی» و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نهادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت استوار بود.(3)

از نظر آمریکا از سال 1979، ایران با استفاده از شمشیر قدرتمند سیاست اسلامی، مشروعیت نظم منطقه ای را به چالش کشیده است. رهبری این کشور، ایران امروز و نیز جهان خارج را از خلال منشور موعودگرایی اسلامی می نگرد.(4)

«برنارد لوئیس» که از اندیشمندان یهودی در آمریکا بوده و تأثیر اندیشه های او بر جامعه علمی آمریکا غیر قابل انکار می باشد، شاخصه انقلاب ایران را دینی بودن دانسته و تحولات ایران را ایدئولوژیکی بیان می کند. او می گوید:

در سال 1357 شمسی، تحولاتی در ایران آغاز شد که تغییرات عمده ای را نه تنها در ساختار حکومت، بلکه در تمامی نهادهای

1- صحیفه نور، امام خمینی6 ج10، ص13.
2- همان، ج4، ص23.
3- انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، جان ال اسپوزیتو، ص49.
4- آمریکا و اسلام سیاسی، فواز جرجیس، ص219.

اجتماعی آن کشور ایجاد نمود. پیامد های انقلاب ایران، مرزهای کشور را درنوردید و به فضای خارج از مرزهای ایران رسید. انقلاب ها خود را به شکل های مختلفی نشان می دهند. انقلاب ایران خود را در تعابیر اسلامی مطرح می کند؛ یعنی به عنوان نهضتی دینی، تحت رهبری دینی، عمل می نماید. نظم گذشته را با ادبیات دینی نقد می کند و طرح هایی را برای آینده و ایجاد نظم جدید ارائه می دهد. انقلابیون مسلمان به نخستین روزهای اسلام به عنوان الگوی عالیه خویش نگاه می کنند.(1)

نگاه دقیق امام رحمه الله به جهان بین الملل و استفاده درست از ادبیات دینی باعث شد تا انقلاب ایران، تافته ای جدا بافته و الگویی مناسب جهت انقلاب های ظلم گریز در جهان باشد و آموزه های انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای ایران و کشورهای اسلامی رفته و تا قلب اروپا نفوذ کند. اندیشه سیاسی امام رحمه الله و عملیاتی کردن آن در ایران، باعث شد رونق پیدا کند، بنابراین دین برخلاف دیدگاهی که دین را افیون توده ها می پنداشت، امروز این دین و آموزه موعودباوری است که جهان را به سمت معادلاتی نوین هدایت می کند.

«جیمز بیل» متفکر و محقق آمریکایی، در فصلنامه مسائل خارجی - نشریه وزارت خارجه آمریکا - امواج پویای انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف می کند:

موجی که از شناخت و بیداری، توده های جهان اسلام را فرا گرفته است، از یوگسلاوی و مراکش در غرب تا اندونزی و مالزی در شرق تداوم دارد. این موج، مولود انقلاب اسلامی ایران است.(2)

این گستردگی نهضت اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران به اندازه ای روشن است که حتی ابا ابان، سیاستمدار و اندیشمند مشهور اسرائیلی در نشریه

1- زبان سیاسی اسلام، برناردلوئیس، ص25.
2- ایران و آمریکا، حسین واعظی، ص323.

«تایمز لندن» زبان به اعتراف می گشاید:

انقلاب اسلامی و پیام های آن، کوته اندیشی نیست. کسانی که چشمان خود را به روی واقعیت ها بسته اند و حقایق را نادیده می گیرند، باید بدانند که انقلاب اسلامی، فصل جدیدی در تاریخ اندیشه هاست. من احساس می کنم که این اندیشه ها به ویژه در خاورمیانه شیوع یافته اند.(1)

ایدئولوژی ضد استعماری و دین مدار نهضت امام خمینی رحمه الله باعث شده تا بلوک شرق و غرب، برای اولین بار در جنگ سرد، موضعی واحد اما خصمانه درباره انقلاب ایران پیدا کنند و آن را در قالب جنگ نظامی، تحریم ها و نبرد فرهنگی پیگیری نمایند.

هسته اصلی برداشت های ایالات متحده از اسلام، هراس، حیرت و نگرانی عمیق درباره آمیزش دین و سیاست است. چنین به نظر می رسد که آمیزه ای از این دو برداشت، جنبه های اساسی سیاست لیبرال ایالت متحده را به چالش فرا می خواند.(2)

اگرچه نباید فراموش کرد که این اندیشه ها با احیاگری امام خمینی رحمه الله، جایگاه خود را در میان امت های اسلامی و غیر اسلامی به دست آورد و به طور کلی:

امام، نهادِ آن چیزی است که به اسلام گرایی معروف است. اگر کمال آتاتورک را می توان فردی در صدد اجرای طرح های متعدد غربی کردن به حساب آورد، چهره امام خمینی رحمه الله پایان دهنده کمالیسم است.(3)

1- همان، ص319.
2- آمریکا و اسلام سیاسی، فواز جرجیس، ص 28.
3- رویارویی غرب معاصر با اسلام، ابراهیم متقی، ص297، ایشان از «عبدالوهاب صالح بابیر» نقل نموده است.

برقراری نظام دینی در ایران باعث شد تا همه معادلات غرب، برای سلطه بر منابع عظیم خاورمیانه به هم بریزد. انقلاب اسلامی در ایران و از دست دادن یک هم پیمان مهم در منطقه [شاه]، دولت کارتر را بهت زده کرد و سقوط شاه، بنا به گفته «برژینسکی» مشاور امنیت ملی کارتر، به لحاظ راهبردی برای ایالات متحده و به لحاظ سیاسی برای شخص کارتر، فاجعه آمیز بود.(1)

نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلام، تنها در سایه استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است. (2)

از این روی، در طول سه دهه ای که از گسترش نهضت های اسلامی می گذرد، صدها جلد کتاب و هزاران جزوه و مقاله درباره انقلاب اسلامی، اسلام گرایی و دنیای اسلام در اروپا و آمریکا منتشر شده است؛ که اکثر قریب به اتفاق آنها به انتقاد و بدگویی از جنبش های اسلامی، سرکوبی رهبران این نهضت ها و تحقیر قشرهای امت اسلامی که جان و مال خود را فدای اهداف خود کرده اند، پرداخته است.(3) در همین راستا، رسانه های تصویری در غرب به منزوی ساختن انقلاب و بی اعتباری آن به وسیله ابزارهای دروغین اما جذاب، همت گماشته و به تولیدات انبوه دست زده اند. در این میان می توان به فیلم های «اسکندر»، «بدون دخترم هرگز»، «300»، «پرسپولیس» و بازی های رایانه ای «دلتا فورس»، «اولین نبرد»، «سام ماجراجو در پرسپولیس» اشاره کرد.

جالب است بدانیم که باوجود تلاش دشمن و غرب سلطه جو، امروز به یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، معادلات جهانی به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده و بنا بر اعتراف نشریه «لس آنجلس تایمز» خشم اعراب از آمریکا و اسرائیل باعث

1- همان، فواز جرجیس، ص121.
2- استعمار فرانر، جهانی سازی انقلاب اسلامی، حسن واعظی، ص351.
3- ن ک: ظهور و سقوط مدرن، پروفسور حمید مولانا، ص108.

چرخش افکار عمومی، به نفع ایران در برابر آمریکا شده است.(1) «لس آنجلس تایمز» در تأیید مطلب خود به نظرسنجی «دانشگاه مریلند» و «مؤسسه زاگبی» اشاره کرده و می گوید: «بدبختانه ایران، ابرقدرت افکار عمومی جهان است». اما نباید فراموش کرد که این الطاف الهی، وظیفه ما را در حمایت از انقلاب اسلامی ایران سنگین تر کرده است. اکنون بیش از پیش می توان این سخن بنیانگذار جمهوری اسلامی را دریافت که اساس نهضت را دینی و تحت حمایت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کردند و استمرار آن را به اتحاد، همبستگی و اعتماد به حمایت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وابسته می دانند.

ایشان در این باره می فرمایند: «همه آقایان بنا را بر این بگذارند که کارهایشان را از روی وظیفه شان عمل بکنند... ببینند در یک مملکتی هستند که در رأس این مملکت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراقبشان هست».(2)

روی موازین مادی، روی موازین عادی، باید ما با یک یورش، از بین رفته باشیم. باید همه ما یک لقمه آنها شده باشیم و لکن قدرت ایمان، پشتیبانی خدای تبارک و تعالی و اتکال به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شما را پیروز کرد. ... این معجزه بود، این امر الهی بود، این وحی الهی بود. این جماعت ایران که با هم شدند، خدا پشتیبان آنها بود و الان هم هست. کاری نکنید که عنایت خدا - خدای نخواسته - کم بشود. کاری نکنید که برای ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد نگرانی بکنید.

به هر روی، امروز این انقلاب که امید است زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، در اختیار ما قرار گرفته و وظیفه ما پاسداری از انقلاب اسلامی با محوریت دین و آموزه مهدویت می باشد.

1- کیهان، گزارش روز، به همت ایرج نظافتی، ص5، 7/6/89، ش19729.
2- صحیفه امام، ج9، ص17.

آن روزها، این روزها(1)

(مروری بر تحول فرهنگ انتظار در قبل و بعد از انقلاب اسلامی)

اشاره

مقایسه فرهنگ انتظار در گذشته با حال، تغیراتی را نشان می دهد که توجه به آن یکی از دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران را تابناک تر می سازد. شما فکر می کنید سطح مباحث مهدویت در دوران پیش از انقلاب چگونه بود؟

آن روزها

در آن روزها توجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها به عنوان منجی موعود و نجات بخشی که در آینده ای نامشخص می آید و به همه دردها و نابرابری ها پایان می دهد؛ یعنی تمرکز و نقطه ثقل مباحث مهدویت بر عصر ظهور استوار می شد و هیچ چشم انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در عصر غیبت وجود نداشت، وظایف منتظران در دعا برای تعجیل فرج خلاصه شده بود و تنها در جامعه، ولایت ورزی (تولی) موج می زد و توجهی به برائت جویی (تبری) از دشمنان حضرت دیده نمی شد و به جای قطع ریشه انحراف، به اصلاح شاخ و برگ آن بسنده می شد. افزون بر آنکه برداشت مناسبی از مفهوم انتظار، در جامعه دیده نمی شد، حتی برخی مقوله انتظار را به یکی از

1- محمدرضا فؤادیان.

عوامل رکود و انفعال و انزواگرایی سیاسی تبدیل کرده بودند.

انتظار منفی و تعطیلی حکومت و کمک به گسترش ظلم بر جامعه ایران، چیره و غالب شده بود. به نظر می رسد تجربه تاریخی این نگاه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛ حداکثری: حکومت امام معصوم علیه السلام و حداقلی: حکومت امیر ستمگر که نمی تواند مشروع باشد و سخنی از حدّ متوسط و ایجاد جامعه زمینه ساز در میان نبود؛ به عبارت دیگر اندیشه مهدویت فقط در جایگاه یک گزاره دینی بحث و بررسی می شد و هنوز به روح حاکم بر دین اسلام تبدیل نشده نبود. همچنین رویکرد غالب اندیشوران، به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزیی معطوف بود. به عبارتی دیگر، نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب آن روزهاست. بحث های بسیار ساده و پیش پا افتاده از این فرهنگ در آن دوران بود که سبب می شد نقلیات و روایات تاریخی «متضاد» و «متناقض» مطرح شود و اساساً تحلیلی درباره آن وجود نداشت. این خود عاملی می شد تا به درستی به عمق اندیشه مهدوی توجه نشود و از سوی دیگر مهجوریت و مغلوبیت سیاسی - اجتماعی در قرون متمادی عاملی بود تا جامعه به آموزه مهدویت رویکرد «عاطفی» داشته باشد؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت، کمترین بهره برداری معرفتی - معنویتی انجام می گرفت و اصلاً در این باره نگاه دکترین وجود نداشت و هیچ گاه به عنوان علمی میان رشته ای مطرح نشد. به همین دلیل در مباحث مهدویت در آثار مکتوب پیش از انقلاب رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به چشم نمی خورد.

این روزها

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، نگاه و رویکرد اندیشوران مسلمان و حتی غیر مسلمان به این اندیشه تغییر یافت، به این ترتیب که در مقایسه با سایر

گزاره های دینی مرتبه بالاتری یافت و به جای آنکه فقط هویت آفرین باشد، آرمان زایی نیز مورد توجه و دقت قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران که وامدار و مدیون این اندیشه است و به طور قطع یکی از اسباب پیروزی انقلاب آرمان های مهدوی است، چارچوب های نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت را ارتقا و سطح مباحث را قوت و عمق بخشید. حتی این آموزه خاستگاهی برای اصول راهبردی شد تا این آموزه بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت کبری، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه السلام و غیره از عناصر و مؤلفه های چنین رویکردی است.

تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسأله فرعی به عنصری سیاسی، حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پی گیری آرمان های بلندش فرا می خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می سازد، بلکه رفتارها، کنش ها و هنجارهای جدیدی را پدید آورده و آرمان به وجود خواهد آورد.

به عبارت دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب تعریف می شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. راضی نبودن به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، انتظار بذر انقلاب، انتظار

احتراز یا اعتراض و غیره، مباحثی است که پیش از انقلاب دیده نمی شود.

انقلاب اسلامی، تنها الگوی عملی برداشت درست از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی عدالتی ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان مشروع را به دنبال داشته است.

امام خمینی رحمه الله در برخی از حوزه های علوم دینی تحول آفرید که اندیشه مهدویت نیز از آن بی نصیب نماند. ایشان درباره لزوم زمینه سازی و نقش اجتماعی انتظار می فرماید:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجّل علی فرجه»، عجّل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می کند.(1)

تحولات جاری در منطقه و عرصه بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج گسترده اسلام خواهی و بیداری اسلامی در جهان - به ویژه دنیای غرب - گواه این واقعیت است که امام خمینی رحمه الله با هدایت و رهبری بزرگ ترین انقلاب مردمی در واقع، آغازگر کوشش ویژه در جهت زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین باید از آن روزها (دیروز) و این روزها (امروز) درس گرفت و زمینه ساز (فردا) شد.

1- صحیفه امام، ج 18، ص 269.

تأثیر انقلاب اسلامی بر پویایی شعر انتظار[1]

مقدمه

شعر مهدوی، یکی از زیر مجموعه های شعر مناقبی است که در قلمرو شعر آیینی گستره دامنه داری دارد و از شکوه و منزلت خاصی برخوردار است. شعر آیینی فارسی، پیش از انقلاب اسلامی بیشتر از دیدگاه مدح و مرثیه بر زبان شاعران جاری می شد و شعرها تنها در موارد محدود، از اندیشه های ژرف، عمیق و تازه برخوردار بودند. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، شعر آیینی فارسی، در جریان تازه ای قرار گرفت که پیش از آن سابقه نداشت. پرداختن به مفاهیمی همچون شهادت، مبارزه با طاغوت، رویارویی با معاندان سیاسی و فکری انقلاب، همدردی با مستضعفان جهان و مضامینی از این نوع، در شعر شاعران قرار گرفت. شعر این دوره کاملاً پویا و فعال و شاعر نیز به دنبال موعود در حرکت است. در شعر این دوره، دیگر خبری از ایستایی و جامد بودن شعرهای دوره پیش از انقلاب نیست. نوشتار زیر به طور خلاصه تأثیر انقلاب اسلامی بر شعر انتظار را بررسی می کند.

1- حسن نوروز زاده.

تعریف شعر انتظار

شعر انتظار از مهم ترین زیرمجموعه های شعر مهدوی در زبان فارسی است. شور و حالی که در شعر انتظار موج می زند، روایتگر انقلاب درونی شعرای شیعی است که ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را لحظه شماری می کنند و هر کدام از دیدگاهی به این مسأله می نگرند و شوق درونی خود را به تصویر می کشند.(1)

پیشینه شعر مهدوی و انتظار

در شعر کهن، مهدویت و انتظار در حاشیه قرار دارد. در واقع، بسیاری از شاعران قدیم، در شعرهای خود، به عنوان یک تلمیح یا اشاره ای تاریخی به موضوع ظهور پرداخته اند و یا در اندازه یکی دو بیت در آن درنگ کرده اند. برای نمونه سنایی غزنوی در یکی از قصاید خود، چنین تصویری را از ظهور آن حضرت ارائه می کند:

گرچه آدم صورتانِ سگ صفت، مستولی اند

هم کنون باشد کز این

میدان، دل عیاروار

جوهر آدم برون تازد، بر آرد ناگهان

زین سگان آدمی کیمُخت

و خَر مردم، دِمار

گر مخالف خواهی، ای مهدی، درا از آسمان

ور موافق خواهی، ای

دجّال، یکره سر برآر

یک طپانچه مرگ و زین مردار خواران یک

جهان

یک صدای صور و زین

فرعون طبعان، صد هزار

باش تا از صدمت صور سرافیلی شود

صورت خوبت نهان و

سیرت زشت آشکار

تا نبینی موری، آن خس را که می دانی

امیر

تا ببینی گرگی، آن

سگ را که می خوانی عیار(2)

می بینیم که شاعر به شکل گزارش گونه ای با مسأله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخورد کرده و به صورتی سطحی از آن عبور نموده و آنگونه که باید از انتظار

ص: 64

1- سیمای مهدی موعود در آیینه شعر فارسی، ص 291 و 292.
2- دیوان سنایی غزنوی، برگرفته از کتاب شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، ص290.

سخن به میان نیامده است.

نکته جالب دیگر این است که در بیشتر مواردی که نام حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر حضور دارد، شاعران به تناسب معنی، به دجّال نیز اشاره کرده اند. گویا کوشیده اند در شعر خویش، نمادهای خیر و شر را در تقابل با هم قرار دهند:

گر مخالف خواهی ای مهدی درآ از آسمان

ور موافق خواهی ای دجّال، یک ره سر

برآر

انتظار و شاعران معاصر

پیش از انقلاب، مفهوم انتظار در آثار شاعران اهل بیت علیهم السلام، مذهبی و هیأتی و به صورت معدودی در آثار شاعران حرفه ای مسلمان حضور داشت، هم چون آثار شاعرانی چون شهریار، امیری فیروز کوهی، ابوالحسن ورزی که قابل مقایسه با آثار شاعران پس از انقلاب نیست. در واقع می توان گفت با انقلاب اسلامی، انقلابی در شعر آیینی، به ویژه در شعر عاشورایی و شعر مهدوی به وجود آمد که از میان آنها، شعر مهدوی، چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، قابل مقایسه با دوران پیش از انقلاب نیست. به عنوان نمونه، از شعر شاعران پیش از انقلاب در زمینه شعر مهدوی، می توان به ابیاتی از مثنوی مطوّل علی معلم با عنوان «رجعت سرخ ستاره» اشاره کرد:

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را

میعاد دستبرد شگفتی

دوباره را

باور کنیم رویش سبز جوانه را

ابهام مرد خیز غبار

کرانه را

باور کنیم ملک خدا را که سرمد است

باور کنیم سکه به

نام محمد است

راوی بخوان ! بخوان که رستم افسانه می رسد

جوهر فروش همت مردانه

می رسد(1)

شاعر در ابیات یاد شده مخاطب را فرا می خواند تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را

1- رجعت سرخ ستاره، علی معلم دامغانی، برگرفته از کتاب شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، ص294.

باور کند؛ ظهوری که متأثر از شمشیر عدالت گستر موعود، سرخ و خونین است و عدالت و مردانگی، هدیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جهان و جهانیان خواهد بود. شاعر در بیت سوم، معتقد است که باید باور کنیم که حکومت از آن پروردگار و دین اسلام است که در جهان فراگیر خواهد شد. شاعر از هم نامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره برده و آنچه در این شعر دیده می شود، این است که شاعر، آمدن موعود را به مخاطب یادآوری کرده است.

در این شعر که نمونه ای از شعر شاعران پیش از انقلاب است:

الف) مفهوم انتظار بسیار کلی و تئوریک مطرح شده است.

ب) در بستر شعر، عاطفه و صمیمیت چندانی احساس نمی شود.

در حالی که پس از انقلاب، عکس این دو نکته در شعر انتظار، به روشنی قابل دریافت است؛(1) مانند این شعر:

ای غایب از نظر که رخ از ما نهان کنی

خود با هزار جلوه وجودت عیان کنی

ای آفتاب پرده نشین در سحاب غیب

تأثیر نور خویش، نهان کی توان کنی؟

در انتظار بارش رحمت نشسته ام

کی پرچمت بلند، چو رنگین کمان کنی؟

کی تکیه گاه خویش کنی بیت کعبه را

اعلام سلطنت به تمام جهان کنی؟

کی قدرت عظیم خداداد خویش را

صرف صلاح و مصلحت بندگان کنی؟(2)

انتظار و شعرای پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، شاعران کوشیدند تا به مهدویت و انتظار از دیدگاه بایسته و تازه ای نگاه کنند و چنانکه می بینیم پویایی و هدفمندی که جزء جدایی

1- شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، ص293.
2- خلوتگاه راز.

ناپذیر انقلاب اسلامی ایران است، در زمینه شعر هم تأثیرگذار بوده و شاعران انقلاب سعی کرده اند در شعر خویش، تعریف تازه ای از انتظار را ارائه دهند؛ انتظاری که در آن، جایی برای رخوت و سستی وجود ندارد، و منتظر واقعی کسی است که در وجود او عشق به کمال موج بزند و همین عشق، وی را به حرکت، ابداع و آفرینش فرا خواند:

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

ببین باقی ست

روی لحظه هایم جای پای تو

اگر کافر، اگر مؤمن، به دنبال تو

می گردم

چرا دست از سر

من بر نمی دارد هوای تو

صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی

ای موعود

پر از داغ شقایق هاست،

آوازم برای تو

تو را من با تمام انتظارم جست وجو

کردم

کدامین جاده امشب

می گذارد سر به پای تو(1)

می بینیم چنان که موعود در حرکت است، شاعر نیز در مقام یک منتظر در جست وجوی اوست و این موعود است که شاعر را به سمت خود می کشاند.

در واقع پس از پیروزی انقلاب، مفهوم انتظار در شعر شاعران، رنگ و جلوه ای دیگر به خود گرفت و انتظار با توجه به استقبال بسیار شاعران، به برجسته ترین حوزه شعر آیینی تبدیل شد و از نظر کیفی، ویژگی های خاص خود را پیدا کرد؛ ویژگی هایی که کاملاً از آثار شاعران پیش از انقلاب متمایز است.

انقلاب اسلامی بستر مناسبی برای طرح مفاهیم و باورهای اصیل اسلامی فراهم کرد و در این میان، مسأله انتظار و مهدویت رشد و گسترش چشمگیری یافت، و این در حالی است که نفس شکل گیری انقلاب اسلامی ایران، تفسیر و تبیین جدیدی از مفهوم انتظار است.

در شعر انتظار معاصر، شاعر، موعود را در ارتباط مستقیم با خویش احساس

1- حرفی از جنس زمان، یوسفعلی میرشکاک، تألیف سید اکبر میرجعفری، ص92.

می کند، و از همین دیدگاه، شعر شاعران پس از انقلاب، بستری صمیمی و عاطفی برای گفت وگوی منتظر و موعود است و تحت تأثیر این احوال و شرایط است که انتظار برای شاعر، یک مفهوم ملموس و عینی است. در این مفهوم و تعبیر؛ انفعال، رخوت و سستی و دست روی دست گذاشتن معنایی ندارد. انقلاب اسلامی نشان داد که اگر ما در مقام منتظر در جهت موعود حرکت نکنیم، انتظار ما بی معنا خواهد بود؛ چنانچه در روایات و احادیث اسلامی نیز از انتظار به عنوان برترین اعمال یاد شده است: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

در شعر انتظار این دوره به راحتی می توان دید که بر خلاف شعرای مهدوی سرای پیش از انقلاب، شاعر به طور کامل فعال و پویا است، کار می کند، اهل عمل است و آرام و قرار ندارد:

- آه کشم دم به دم، سیر کنم کو به کو

تا به سر کوی تو، با تو شوم رو برو(1)

- تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

ببین باقی ست روی لحظه هایم جای پای

تو(2)

- به آتش می کشم فردا من این بی دست وپایی را

و ویران می کنم دیوار سنگین جدایی را

- تمام خارها را می کَنَم، سبزینه می کارم

و می گویم به مردم اینکه خوب من، می آیی

را(3)

پس از انقلاب اسلامی، شعر انتظار، شعری یک بعدی و فقط مجالی برای

1- غلامرضا سازگار (میثم).
2- یوسفعلی میرشکاک.
3- سید رضا محمدی.

شکوه و گلایه از وضع موجود نیست، بلکه شاعرِ انتظار در این روزگار، با طرح مسائل اجتماعی و انتقادی، سعی دارد وضعیت موجود را به حالی مطلوب و قابل قبول تغییر دهد.

شاعر منتظر، از وضع موجود جهان ناراضی است و در پس رسیدن به افق بیکران موعود است. شعر انتظار با دردها و زخم های جامعه گره خورده است و به این شکل است که می بینیم این موضوع شعری، بستری مناسب برای طرح مسائل (اجتماعی - انتقادی) فراهم کرده است.

سالیانی است

که دلم در بیعت توست !

و دیدگان غمناکم

در انتظار تو

شب را به روز پیوند می زند !

اگر خاک

بقای خویش را

به یقین تو دخیل می بندد

چندان عجیب نیست؛

که بر لب، کلام رسولان داری !

و صدر عشق را به ترجیع، زمزمه می کنی !

بی تو ابرهای سترون

دل را در حسرت شکفتن

در حسرت سبز ماندن

به گریه نشاندند!

ص: 69

بی تو دریا را به جرم خروش، تازیانه زدند !

و کوه را

به گناه ایستادن

به گلو بستند !

بی تو قناری های عاشق را

بر نطعی خارینه سر بریدند

بی تو زمین به کسالت تن داد

و آسمان به اسارت رخوت !

اما دل های ما

هیچ گاه تسلیم نشد

و دست هایمان، تا قله ای بر پیشانی آسمان

بالا رفت

و دعای فرج خواندیم

و نماز را با شمشیر قامت بستیم ![(1)]

در این شعر، شاعر ابتدا از انتظار و شکوه آن برای خود صحبت کرده و در ادامه، وضعیت اجتماع بشری را به تصویر کشیده است؛ اجتماعی که ظالمان در آن، انسان های آزاده را به گلوله می بندند و زمین، تسلیم رخوت و سستی شده است.

در ادامه شعر، شاعر تأکید می کند که ما اهل تسلیم نیستیم و به امید ظهور تو نمازهایمان را با شمشیر قامت می بندیم و این همان انتظاری است که مخالف هرگونه تسلیم و بندگی است.

ص: 70

1- ترانه های انتظار، میرهاشم میری ، ص85..

سخن آخر

در آخر باید اذعان کرد، اگر چه آگاهی همه جانبه از تأثیر انقلاب اسلامی بر اشعار آیینی و به ویژه اشعار مهدوی، به پژوهشی جامع و فراگیر نیاز دارد، اما از همین نگاه اجمالی نیز می توان دریافت که شعر مهدوی در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران، افزون بر توجه به جنبه فراق و هجران و طولانی شدن فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و درخواست فرج به صورت روشن، منادی و محرّک و تلاش در عصر غیبت و مبارزه با ظلم و بی عدالتی بوده و شخص را به مبارزه با جبهه ستم و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا خوانده است.

ص: 71

ایرانیان، زمینه سازان فرهنگی ظهور(1)

وقتی با نگاه ژرف و عالمانه به قرآن مجید و روایات امامان معصوم علیهم السلام و سخنان عالمان ربّانی و عارفان می نگریم، درمی یابیم که ایرانیان، زمینه سازان ظهور حضرت خاتم الاوصیا، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود و جامعه جهانی را آماده پذیرش ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند کرد. حرکت زمینه سازان ایرانی، به طور یقین، حرکت فرهنگی است و این حرکت، هم در مرحله برائت زبانی - فرهنگی و هم برائت عملی - فرهنگی خواهد بود.

سیمای زمینه سازان ظهور در قرآن مجید اینگونه ترسیم شده است:((یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ مَن یَرْتَدَّ مِنکُمْ عَن دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکَافِرِینَ یُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَلاَ یَخَافُونَ لَوْمَهَ لآئِمٍ ذَلِکَ فَضْلُ اللّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هرکس از شما که از دین خود برگردد، در آینده، خداوند گروهی (قومی) را می آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز او را دوست دارند. در برابر مؤمنان، متواضع و در برابر کافران، با صلابت هستند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت کننده ای نمی ترسند. این است فضل خداوند؛ که به هر که

ص: 73

1- شهید دکتر محمود رفیعی.

خواهد، عطا می کند و خداوند دارای رحمت وسیع نامتناهی است و به احوال هر که استحقاق آن را دارد، داناست)).(1)

براساس این آیه شریف، زمینه سازان انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسانی اند که:

خداوند، محبّ آنهاست؛

آنها، محبّ خدایند؛

در برابر ملّت های مظلوم، فروتن و سر به زیر هستند؛

در برابر سرکشان و ستمگران، استوار و با صلابت هستند؛

در راه خدای متعال در ابعاد مختلف (فرهنگی، سیاسی و نظامی) جهاد می کنند؛

و تیرهای ملامت را به جان می خرند، امّا از هیچ کس و هیچ چیزی خوف و ترس ندارند.

وقتی آیه مورد نظر نازل شد، از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم درباره قومی که دین خدا را احیا می کنند، پرسیدند که آنها چه کسانی هستند؟ وجود مقدّس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست مبارک خود را بر شانه جناب سلمان فارسی گذاشته بودند، فرمود:

هذا وَ ذَوُوهُ؛ ثُمَّ قالَ: لَو کانْ الدّین مُعلّقاً بِالثُّریّا لَتَناوَلَهُ رجالٌ مِن اَبناءِ فارْسْ؛ این مرد و هموطنان او هستند؛ سپس فرمود: اگر دین به ثریا آویخته باشد، هر آینه مردانی از فارس به آن دست می یابند.(2)

بنابر روایتی دیگر وقتی این آیه نازل شد، اعراب از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: «اینان که اگر ما از دین خدا، روی برگردانیم، خداوند آنها را به جای ما قرار می دهد، چه کسانی هستند؟» پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست بر شانه سلمان

1- مائده(5)،54.
2- میزان الحکمه، ج10، ص4570.

فارسی رحمه الله می گذاشتند، فرمودند:

هذا وَ قَوْمُهُ وَ الّذی نَفسی بِیَدهِ لَو کانَ الایمانُ مَنُوطاً...؛ این مرد و هم وطنانش. قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر ایمان به ثریا آویخته باشد، مردانی از فارس به آن دست می یابند.(1)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از زنان و مردان مؤمنی سخن می گوید که اولاً، احیاگر دین خداوند هستند؛ ثانیاً، صاحب دین ناب هستند و ثالثاً، به بالاترین درجه ایمان دست می یابند.

با دقت در این آیه احیاگران دین خدا و توضیح پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آیه یاد شده، می توان فهمید که: حرکت مردم ایران، حرکتی فرهنگی و در نهایت، نظامی خواهد بود. اینکه باید پرسید، چرا ایرانیان؟ چرا قوم و ملّتی دیگر برای احیای دین خدا و مهیا ساختن زمینه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برگزیده نشده اند؟

تجربه بلند تاریخ و آزمون های بزرگ تاریخ، نشان می دهد که ایرانیان:

دارای روحیه حق طلبی و حقیقت جویی هستند؛

از تعصّب متنفر هستند و بر باطل پای نمی فشارند؛

در برابر شداید طبیعی و غیر طبیعی استوار و پابرجا هستند؛

دارای فرهنگ عمیق و ریشه داری هستند؛

انسان های شجاع و دلاوری هستند؛

به علم و به ویژه علم دینی، عشق می ورزند و عالمان را دوست می دارند؛

مدافع مکتب اهل بیت علیهم السلام هستند؛

اهل ادب و هنرند؛

1- همان، ص4568.

مردانی حماسه آفرین هستند؛

عرفان آنان حماسی و حماسه آنان با عرفان آمیخته است.

در روایتی دیگر، بنیانگذار اسلام ناب محمدی، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اعظم الناس نصیباً فی الاسلام اهل فارس؛ بزرگ ترین نصیب را در اسلام، اهل فارس دارند».(1)

مولی الموحدین، امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز از یک حادثه بزرگ فرهنگی در گذرگاه تاریخ، خبر می دهد و می فرماید:

«گویی عجم را می بینم که در مسجد کوفه، چادر بر پا کرده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده است، به مردم می آموزند».(2)

برای اینکه ایرانیان بتوانند پس از چهارده قرن، مکتب انسان ساز اسلام را احیا کنند و زمینه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آماده سازنند، لازم بود تا یک حرکت توفنده فرهنگی در ایران به وجود بیاید؛ حرکتی که آثاری بیش از یک حرکت نظامی داشته باشد.

زیرک ترین مدیر عالم، حضرت امام خمینی رحمه الله پرچمدار حرکت فرهنگی مردم ایران بود. او برای اینکه مردان و زنان ایرانی بتوانند به بالاترین درجه ایمان و دانش دست یابند و زمینه آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آماده کنند، مکتبی را برای اولین بار در عالم تأسیس کرد که نام آن، خواب ستمگران را برآشفت و انسان های ویژه ای را در دامن این مکتب پرورش داد که فراتر از آب و خاک می اندیشند.

امام خمینی رحمه الله مکتب بسیج را بنیان گذاری کرد که تمام مکتب های غربی و شرقی را به بوته فراموشی سپارد. بسیج یک مکتب کاملاً فرهنگی است که برای

1- کنزالعمال، حدیث 34126.
2- بحارالانوار، ج52، ص364.

مقابله با فرهنگ ویرانگر غرب تأسیس شد و احیای دین خدا، یکی از اهداف بزرگ این مکتب است. مکتب فرهنگی بسیج، انسان های خاص خود را دارد که با عنوان «بسیجی» شناخته می شوند. بسیجی یار و یاور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

حضرت آیت الله خامنه ای دام ظله در خصوص ارتباط بسیج و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه ای است که اسلام و قرآن و امام زمان (ارواحنا فداه) و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی موعود عزیز، یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است.(1)

بسیجی یعنی سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ که برای رسیدن به قلّه های بلند ایمان و دانش، هر روز تلاش می کند و از تفکر ناب اسلام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و فرهنگ اصیل اسلامی برخوردار است.

1- بیانات رهبر معظم انقلاب در هفته بسیج و روز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، 3/9/1378.

فرهنگ مهدویت، جوهره انقلاب اسلامی(1)

مقدمه

اهداف و آرمان های یک رویداد هر چه والاتر باشد، نتایج آن نیز گران قدرتر خواهد بود. جریان انقلاب شکوهمند ایران اسلامی نیز از جمله وقایعی بود که با مقاصد الهی و آسمانی اتفاق افتاد. مردان و زنانی که با اقتدا به سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا علیه السلام توانستند کاخ چند هزارساله طاغوت و شرک و پلیدی را واژگون سازند و با توجه و توسّل به صاحب و مقتدای خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همیشه نگهدار مسلمانان است، پرچم پرافتخار اسلام ناب محمدی را برفراز ایران برپا کنند. در حقیقت می توان گفت این وعده تخلف ناپذیر الهی بود که در این سرزمین محقق گردید که:

((يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید اگر خدا را یاری کنید؛ خداوند نیز شما را یاری خواهد کرد وشما را دراین راه ثابت قدم خواهد داشت)).(2) انقلاب اسلامی ایران با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتصال عمیق و جدانشدنی دارد و به جرأت می توان گفت که نقش

1- غلامرضا صالحی.
2- محمد(47)، 7.

اصلی و حقیقی این حرکت عظیم مردمی را می توان در تمسک به فرهنگ ناب مهدویت جستجو کرد.

اندیشه ها و رفتارهایی که ملت دین دار کشورمان را در به ثمر رساندن این حرکت آسمانی یاری نمود، از این قرار است:

1. به دست آوردن زندگی با معنا و هدف دار

انسان با قدم گذاشتن بر این کره خاکی مسئولیت ها و وظایفی می یابد که با انجام آنها می تواند به سعادت واقعی دست پیدا کند. دربیانی دیگر، انسان بیهوده و سرگردان خلق نشده و تمام دنیا برای او مکان آزمایش و امتحان الهی است: ((أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنا لا تُرْجَعُونَ؛ آیا خیال می کنید ما شما را عبث آفریده ایم و شما به سوی ما باز نمی گردید)).(1)

مردم ایران در دوران رژیم طاغوت از یک حیات الهی و هدف مند منع شده بودند، زیرا هیئت حاکم زندگی را چیزی جز دنیاپرستی، شهوت رانی، بی بند و باری و مدپرستی و باج دادن به استعمارگران نمی دانست و به طور آشکار مانند دوران زندگی امام حسین علیه السلام دین مقدس اسلام رو به انحراف کشیده شده و به احکام دین عمل نمی شد و مردم از چنین شرایطی به تنگ آمده بودند.

امام خمینی رحمه الله دراین باره می فرمایند:

رفتن به انگلیس و فرانسه و مسکو افتخاری پرارزش بود و به حج و یا اماکن متبرکه رفتن، کهنه پرستی و عقب ماندگی به حساب می آمد و بی اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات

1- مومنون(23)، 115.

است، از نشانه های روشنفکری و تمدن حساب می شد.(1)

یکی از ویژگی های حکومت مهدوی ایجاد حیات طیبه و دمیدن روح معنویت در جامعه است. چنانچه در روایتی از امام حسین علیه السلام می خوانیم:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امامی است که قیام به حق می کند و خداوند زمین را پس از آنکه با کفر و بی دینی مرده است، به وسیله او زنده می کند.(2)

مردم ایران اسلامی با پیروی از آرمان مهدویت این چنینی توانست یک زندگی سعادت گونه و طیب و طاهر را برای خویش رقم بزند تا در چنین جامعه ای بتواند در جهت هدف آفرینش و رسیدن به کمالات معنوی ومادی گام بردارد.

2. فرو ریختن بنیاد ستم و حکومت نامشروع

از خصوصیات اصیل همگی انبیا و اوصیای الهی باطل ستیزی است، از سوی دیگر در همه زمان ها فرعون هایی یافت می شوند که عرصه را برای عدالت الهی تنگ می کردند، در این جا این وظیفه فرستادگان و اولیای الهی است که باید روبه روی آن بایستند و تا آن را از بین نبرند، آرام نگیرند. چنانچه قرآن کریم، ایمان واقعی را در دشمن ستیزی و نفی طاغوت معرفی می کند:

((فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی؛ کسی که با طاغوت دشمنی کند و ایمان به خدا بیاورد، او به ریسمان محکم تقوی دست زده است)).(3)

1- امام خمینی، وصیت نامه سیاسی الهی، ص15.
2- بحارالانوار، ج 51، ص 132.
3- بقره(2)، 256.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قیام مقدس خویش همه طاغوت های زمان را از بین می برد و حکومت مشروع الهی را بر جهان چیره می کند. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرمایند:

او دوازدهمین ما ائمه است. خداوند هر مشکلی را برایش آسان می کند و هر گردن کشی را به وسیله او سرکوب می کند. گنج ها و معادن زمین برای او پدیدار می شود و هرچه دوری برایش نزدیک می شود. ستمگران بی دین را نابود می کند و شیاطین متمرد را به هلاکت می رساند.(1)

ملت ایران اسلامی نیز خواهان حکومت الهی و دینی بودند. آنان با درس گیری از مکتب امام حسین علیه السلام از دستگاه نامشروع و یزیدی زمان نفرت داشتند و می خواستند هر طور که شده اساس چنین حکومتی را از بین ببرند؛ طاغوتی که جز گسترش مذهب لائیک و لیبرالیسم و مادی گرایی چیزی در بر نداشت. آنان می خواستند حکومتی را نابود کنند که از غرب و شرق عالم دستور می گرفت و یک خود باختگی همگانی را برای آنان به ارمغان می آورد.

همان طور که امام راحل فرمودند:

ملت عزیز سرتا پا معتقد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی را نجات دهد و بشر را از قیودی که بردست و پای و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و سستی و بردگی و طاغوت می کشاند نجات دهد. آمریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگش در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیه الله رسوا و وامانده گشت و

1- بحارالانوار، همان، ص 151.

این امداد غیبی خداوند بود که ملت ایران را بیدار کرد و از ظلمات شاهنشاهی به نور اسلام هدایت کرد.(1)

3. درخشش در وادی ولایت و رهبری الهی

یکی از ویژگی های مهم انسان های هدفمند و وارسته پیروی از محبت الهی و حاکم دینی مشروع است، که این خود یکی از شاخصه های مهم یک حکومت دینی است. اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را گوشه نشین نمودند و او را نزدیک به 25 سال از حق مسلّم و مشروع خود محروم ساختند، و اگر امام حسن علیه السلام مجبور شد با طاغوت زمان خویش صلح کند و اگر امام حسین علیه السلام را غریبانه و مظلومانه در کربلا به شهادت رساندند و اگر هر کدام از امامان معصوم علیهم السلام، این محبت های بزرگ الهی را به گونه ای گوشه نشین کردند؛ همه به سبب بی وفایی یاران و وظیفه نشناسی مردم زمان آنها بود که از اطراف آنان پراکنده شدند. چنانکه امام حسن علیه السلام از پیمان شکنی مردم گله می کند و چنین می فرماید:

اگر یارانی داشتم که در جنگ با دشمنان خدا با من همکاری می کردند، هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی کردم؛ زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است ... .(2)

یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاران وفادار و مستحکم آن حضرت است که حاضرند با همه وجود در راه احیای ارزش های الهی و اسلامی در صحنه حاضر شوند و از دفاع از حریم ولایت و خاندان اهل بیت دست نکشند. امام صادق علیه السلام در وصف آنان چنین می فرماید: «اصحاب حضرت مهدی هرکدام برابر

1- امام خمینی، همان، ص 5.
2- بحارالانوار، ج 52، ص 327.

چهل نفر توانایی و قدرت (الهی)دارد و دارای قلوبی محکم و قوی مانند پاره های آهن هستند».(1)

ملتی که دوشادوش امام عزیزمان قرار گرفته بودند و این انقلاب را به ثمر رساندند، کسانی بودند که می دانستند باید از ولی فقیه حمایت کرد و از اطراف محور ولایت و رهبری حتی برای یک لحظه غفلت نکرد، بنابراین و با پیروی از امام و مقتدای خود که محور اسلام و قرآن بود، توانستند حکومت ستم شاهی پهلوی را واژگون سازند. بی تردید می توان رمز پیروزی این انقلاب و همچنین بقای آن را در اتحاد و همبستگی دور محور ولایت و رهبری الهی دانست و این همان نکته ای است که دشمنان به آن اعتراف می کنند و یکی از وظایف اصلی همه مردم عزتمند ایران دفاع و مواظبت از این رکن اصیل انقلاب است. بی شک می توان ملت ایران را از ملت های دیگر دنیا حتی از مردم زمان ائمه در پیروی از آرمان های اسلام و قرآن برتر و عظیم تر دانست و نمونه عینی و خارجی از یک ملت الهی و اسلامی به شمار آورد،هم چنانکه امام عزیزمان دراین باره فرمودند:

من باجرات مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن درعصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین ابن علی می باشند.(2)

1- امام خمینی، همان، ص 12.
2- امام خمینی، صحیفه امام، ج21، ص410.

پارتی بازی نشده !(1)

دعای ندبه از زیباترین و فاخرترین دعاهایی است که می تواند در انسان شور و عشق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ایجاد کند. با نگاهی ساختاری به این دعا می بینید که مطالب آن از اول خلقت آغاز کرده و پس از حمد الهی مسئله ای مهم را حل می نماید و آن، موضوع انتخاب انبیا و عصمت آنهاست.

پرداختن به این موضوع بدان جهت است که ما خیال نکنیم که در انتخاب انبیا پارتی بازی شده و مثلاً خدای متعال، اول خود امتیازی به ایشان مرحمت نموده و سپس آنها را انتخاب کرده اما آن امتیاز را به ما نداده است. حل این معمّا نیز با این فراز از دعاست:

شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا و زخرفها و زبرجها فشرطوا لک ذلک و علمت منهم الوفاء به؛ خداوندا ! تو با آنها شرط نمودی که نسبت به مقام های دنیوی، زیورها، زینت ها و جذابیت های آن زهد بورزند و به آنها بی اعتنا باشند و آنها هم این شرط را پذیرفتند و تو دانستی که آنها به این شرط وفادار می مانند.

برای توضیح، می توان چنین گفت که اساساً یک معلم برای چه از دانش آموزان امتحان می گیرد؟ آیا غیر از این است که بفهمد دانش آموز یا دانشجو چه قدر

ص: 85

1- ناصر نقویان.

درس خوانده است؟! این را هم خود معلم بفهمد و هم خود دانش آموز. چون بعضی از دانش آموزان خیالاتی هستند و گمان می کنند در درس زرنگند. اما اگر معلمی فهمید که دانش آموزی، واقعاً خوب درس خوانده و مثلاً نیم ساعت پیش از جلسه امتحان با این دانش آموز پرسش و پاسخ داشته است، ولی همین که این دانش آموز در حال رفتن به طبقه بالای مدرسه و برای حضور در جلسه امتحان افتاد و پایش شکست و او را به بیمارستان بردند، حالا اگر معلم به این دانش آموز نمره بیست هم بدهد، کار گزافی نکرده و این اصلاً پارتی بازی نیست، زیرا پیش از این دریافته بود که او تمام درس را بلد هست، گرچه در سیستم کنونی آموزشی، نمره صفر در نظر گرفته می شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

من پیش از اینکه شما را به این دنیا بیاورم، قول و قراری با شما گذاشته ام که وقتی پا به دنیا گذاشتید، گرفتار زرق و برق های آن نشوید و دلتان تکان نخورد و غیر از خدا، کسی را شریک او قرار ندهید. شما هم قرار داد را امضاء کردید. اما فقط عده ای به این قول و قرار پایبند ماندند، درست مثل ماجرای نبرد حضرت طالوت و جالوت.(1)

وقتی یاران طالوت به نزدیک نهر آب رسیدند، ایشان فرمود: در راهمان به

1- اشاره است به آیه شریف: « وَإِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِن بَنِی آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَی أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّکُمْ قَالُواْ بَلَی شَهِدْنَا أَن تَقُولُواْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِینَ؛ و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد تا مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این موضوع غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)» !

چشمه آبی خواهیم رسید در حالی که شما هم تشنه هستید. امتحان شما این است که نباید از آن آب بخورید ! ((إِلاَّ مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِه))(1) مگر یکی دو کف دست که اشکالی ندارد. آنها هم قول دادند. اما وقتی چشمشان به آب افتاد، نتوانستند صبر و تحمل کنند و پاک دامنی خود را بر باد دادند، به قول شاعر:

غلام رفت که آب جوی آرد

آب جوی آمد و غلام ببرد

وقتی یاران حضرت طالوت به آب رسیدند، بیشتر آنها قول و قرارشان را فراموش کردند و یک دل سیر، از آب نهر خوردند، به تعبیر قرآن کریم: ((فَشَرِبُواْ مِنْهُ إِلاَّ قَلِيلاً)).

داستان بعضی از انقلابیون ما هم همین طور شد. برخی از آنها پیش از انقلاب زندان ها رفتند و شکنجه ها دیدند، اما وقتی پس از انقلاب به پست و مقامی رسیدند، تا می توانستند از آن نوشیدند، یکی هم نبود که به آنها بگوید: قرار بود شما برای مستضعفین کار کنید. اما درباره انبیا و اوصیا این چنین نبود، چنانچه در همان فراز مورد بحث از دعای ندبه آمده است: «و علمت منهم الوفاء به». خدای متعال مثل همان معلم و بلکه با علم بی نهایت خویش متوجه شد این انبیا درسشان را خوب خواندند و به عهد خویش وفادار خواهند بود، پس قبل از اینکه در دنیا امتحان بدهند، به آنها نمره بیست عنایت فرمود و به تعبیر دعای ندبه: «فقبلتهم و قرّبتهم و قدّمت لهم الذکر العلّی و الثناء الجلی و اهبطت علیهم ملائکتک و کرّمتهم بوحیک و رفدتهم بعلمک و جعلتهم الدرائع الیک و الوسیله الی رضوانک؛ پس آنان را قبول کردی و به خود نزدیک نمودی و برای آنها نامی بلند و ستایش ارجمند تقدیم داشتی و فرشتگانت را بر آنها فرو فرستادی

1- بقره(2)،249.

و آنها را با وحی خود گرامی داشتی و به بذل دانش خود ایشان را پذیرایی کردی و آنها را وسیله درگاهت و جلب رضایتت قرار دادی».

به همین دلیل حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به زبان آمد و فرمود: «إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِیَ الْکِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیًّا»، نمی گوید: « یَجَعَلَنِی نَبِیًّا: بعداً قرار است خدا مرا پیامبر قرار دهد» بلکه می گوید: من پیامبر شده ام. خداوند متعال هم نگفت جناب عیسی! آخر تو در گهواره چگونه پیامبر شدی؟ تو باید بزرگ شوی و امتحان بدهی تا ببینیم آیا آدم خوبی هستی و نمره های خوب می گیری و...، زیرا او پیشاپیش امتحانش را داده است. عقل و حکمت هم می گوید که اصلاً هیچ مشکلی وجود ندارد، اما ما چه؟! خدا می دانست که بسیاری از ما وقتی چشممان به جلوه های دنیا بیفتد دلمان از دست می رود.

ص: 88

همه جا سیاه بود[1]

همه جا سیاه بود، وقتی نفس می کشیدی بوی دود تا عمق جانت نفوذ می کرد، بال های استبداد با تمام سیاهی زجرآورش روی شهر ها را پوشانده بود. چنگال های غم هر روز تنگ تر می شد و دیگر امان مردم این دیار را بریده بود. گلبرگ تمام گل ها داشت پرپر می شد. سرفه و درد تمام باغ را فرا گرفته بود.

هر کس که به جست و جوی آفتاب، سر بلند می کرد، آرام و بی صدا محو می شد، انگار که از روز اول در این روزگار نبوده است.

تیر و شلاق و تبر، پاسخ همه سؤال ها بود، اگر می پرسیدی خورشید کجاست؟ فانوسی نشان می دادند رو به خاموشی. فانوسی سوسوزنان که معلوم بود سال هاست زیر چکمه های استعمار خرد شده و هربار اتاق یک مزدور را روشن نگه داشته است! تمام هویت و ثروت و عشقت، تمام سرمایه میهنت را به تاراج می بردند و این، تازه آغاز کار بود ... در کشور ما، در میهن ما به نفع بیگانگان و علیه ما قانون وضع می شد. بهترین روزهای عمر جوانانمان بهار زندگیشان در زندان هایی نمور پشت میله هایی سرد و دیوارهایی سرشار از فریاد سپری می شد.

بغض ها ولی آماده انفجار بود... سرما بیداد می کرد. روزها در سیاهی، تباهی و

1- فاطمه حیدری.

ستم زیر چکمه های خیانت به شب می رسید و شب با بوی تعفن گناه آرام آرام صبح می شد. دیگر نمی شد حتی نفس کشید. نگاهی پلید بر این خاک پاک سایه انداخته بود.

ناگهان در عصر یک روز دلگیر در لحظه هایی که تمام ثانیه ها بر مدار سرزمینی خونین می گشتند، در میان سنج و زنجیر و نوحه در یک فضای ساده اما نورانی به هنگامه شورانگیزترین ناله ها یک مرد که ابهّت هاشمی اش، غیرت و مردانگی خاندانش و ظلم ستیزی مولایش را به خاطر می آورد، از مشرقی ترین جغرافیای زمین طلوع کرد. مردی از تبار نور، مردی از قبیله استقامت، از دیار خروش، از نیستان ناله های پرخون، مردی که درد را می فهمید، رنج کشیده بود و روح خدا در کالبد خاکی اش جریان داشت.

دلش سنگین از نگاه پلید و چنگال های ستم بر این سرزمین، مرد ایستاد در ندای حسین حسین خویش، ناله برآورد: مرد کجاست؟

زمزمه ها بلند شد، مردانی برخاستند از دیار حماسه، زنانی زینبی، مردانی حسینی. گوش ها تیز شد، مرد گفت:

«آی مردم! کشور عشقتان، دل امام زمانی تان، ذره ذره دارد خاموش و سیاه می شود. آی مردم! غیرت و مردانگی تان کجاست؟ بپا خیزید؟ مگر نه این که عزادار مردی هستید که با هفتاد و دو یار مظلوم با ظلم و ستم و خیانت مبارزه کرد؟ مگر نه این که در عزای حسینی به سر و سینه می زنید که با کودک مظلومش کربلایی ساخت به روشنای تمام تاریخ عاشورایی شمع گونه برای تمام

ص: 90

فانوس های جهان؟» مرد می گفت و مردم این خاک پاک همنوای مرد، مرد گونه یا حسین می گفتند و این آغاز حرکت بود. حرکتی که جرقه های کوچکش در محرم و صفر متولد شد. جرقه هایی که هر کدام رفته رفته آتش به خرمن ظلم و تباهی زدند.

عطر امید و انتظار در جان ها دوباره سبز شد. حالا همه مردم فارغ از نژاد و زبان و ثروت و فقر، یک صدا ندای انقلاب سرمی دادند، مردم برخاستند، شب نامه توزیع می شد. بر بام ها طنین خوش الله اکبر به گوش می رسید. اعلامیه ها، شعارها و حرکت های مردمی یکی پس از دیگری به نتیجه می رسید. دانشگاه ها تعطیل شد. اعتراض ها بالا گرفت، هر دفعه اتفاقی تازه، روحی دوباره می دمید درجان فریاد ها. شیطان و هم دستانش گمان کردند اگر خورشید را بردارند، مردم سرد خواهند شد. خورشید پانزده سال از مردمش، از باغچه اش دور شد؛ اما خورشید، خورشید است، هر کجا می خواهد باشد آسمان مال اوست. او می تابید و تابش خیره کننده اش تمام شیاطین را مانند خفاش ها فراری می داد.

انقلاب ما در پس فریاد های مردمی غیرتمند، در مشت های گره خورده جوانان در تدبیر پیران و در امید زنان این سرزمین در میان لالایی کودکان این دیار پاک که همه، عشق را زمزمه می کردند، متولد شد. انقلابی که حالا به جوانی برومند تبدیل شده. کودک انقلاب ما در پای مجالس روضه جان گرفت. در میان اشک های عزاداران حسینی در روز عاشورا، در میان دسته های هیئت، در میان مجالس سخنرانی و حتی در نوارهای ساده سخنرانی رشد کرد. انقلاب ما، جرقه

رهایی ما، همه و همه از محرمی زاده شد که تمام یاس ها در آن اشک می ریختند.

انقلاب آغاز شد و دهه فجر این کشور عشق و آزادگی، تابیدن آغاز کرد.

انقلاب ما با تمام سختی ها، با تمام جان فشانی ها، با خون هزاران لاله سرخ سبز شد، جوانه زد و به بار نشست اما ادامه این انقلاب باید به منبعی وصل می شد برای جاودانه شدن، برای ماندن، برای هدفدار شدن، برای الگو بودن و برای به قله رسیدن. انقلاب باید به سرچشمه ای متصل می شد برای نورگرفتن، برای پیوستن به دریا، راکد نبودن، جاری بودن و جریان داشتن. اصلاً انقلاب ما برای رسیدن به همین نور پرواز آغاز کرد. ما هشت سال جنگیدیم تا به این سرچشمه وصل شویم، در برابر ابر قدرت ها ایستادیم تا به این دریا بپیوندیم و زیباترین نور هستی در وجود انقلابمان دمیده شد و آغاز انقلاب دیگری شد به نام انقلاب انتظار. انقلاب ما با عاشورا آغاز شد، با انتظار یک عشق ادامه یافت و هنوز و هنوز قلب بی قرار انقلاب ما می تپد چون سرانجامِ انقلاب ما، وصل شدن به دولت کریمه آن موعود وعده داده است.

قلب انقلاب ما هنوز هم می تپد و این قلب منتظر، مانند قلب های منتظر در انتظار منتظَری است که فرش راه او شود، جوانانش سربازان گمنام او شوند و زنان و کودکان این سرزمین گرد غبار از چهره مردان عاشق سپاهش بردارند. ما با عاشورا آغاز شدیم، متولد شدیم؛ اما با عطر انتظار نفس می کشیم.

عاشورا سیرابمان کرد اما انتظار موعود مانند هوا در تمام شریان های ما ریشه

دوانده است.

راستی جوان های دیروز، وظیفه شان را خوب فهمیدند، خوب عمل کردند و حالا کنار رفته اند. میدان را خالی کرده اند برای ما که شاید هنوز وظیفه مان را خوب نشناخته ایم. تا دولت کریمه راهی نمانده شاید به اندازه یک یا علی!

ص: 93

مهدی بیا، شاه مسلمان شده !

(مهدویت در شعار انقلابیون)

اشاره

بسیار شنیده ایم که یکی از پایه های اصلی انقلاب اسلامی، اندیشه مهدویت است. این حقیقت در میان انواع شعارهای دوران انقلاب اسلامی بر دیوارها و در راهپیمایی ها دیده و شنیده می شود. آنچه تقدیم می گردد بخشی از این شعارهاست که در کتاب جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی نوشته دکترمحمد حسین پناهی به ثبت رسیده است.

مهدی بیا شاه مسلمان شده

روز و شب مسلمین شام غریبان شده یا حجت بن الحسن دل ها پریشان شده

قبر امام هشتم گلوله باران شده

مرجع ما سکوت را شکسته به جای صاحب الزمان نشسته

مهدی بیا شاه مسلمان شده آب وضوش خون جوانان شده

حکومت جهانی ایجاد باید گردد

دست ابرقدرت ها کوتاه باید گردد

حکومت متقین نجات مستضعفین

گل های ما پرپر شده مهدی جان !

خون به دل رهبر شده مهدی جان !

مهدی بیا شاه مسلمان شده قبر امام هشتم گلوله باران شده

یا حجت الله دل ما کباب است

وضع زمانه در انقلاب است

مهدی امام زمان ! برس به فریاد ما که شاه آدم کشان کشته جوانان ما

یا حجت بن الحسن العسکری مرگ بر این سلطنت پهلوی

ای مهدی فاطمه ! نهضت ادامه دارد برای حفظ اسلام جان ارزشی ندارد

ص: 96

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109